

الحمد لله رب العالمين

تدبیر ماه

نماندگی ولی فقیه در سپاه

دقت تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

نام نشریه:

تدبیر ماه

تنظیم و نشر:

نمایندگی ولی فقیه در سپاه
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

نوبت چاپ:

اول

شماره:

(اردیبهشت و خرداد ۹۳) ۸۸

تاریخ چاپ:

تیر ۱۳۹۳

شمارگان:

۳۰۰۰

نسخه چاپ:

مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۹
تدابیر تربیتی و معنوی	۱۳
تدابیر آموزشی	۳۳
تدابیر فرهنگی و هنری	۴۵
تدابیر مدیریتی	۵۱
تدابیر طرح و برنامه‌ای	۶۹
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۷۷
تدابیر دفاعی و رزمی	۱۲۱
تدابیر اقتصادی و مالی	۱۲۷
تدابیر خدمت‌رسانی	۱۳۵
تدابیر بهداشت و سلامت	۱۴۱
تدابیر نظارت و بازرسی	۱۴۳
تدابیر حقوقی و قانونی	۱۴۵
تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی	۱۴۹
تدابیر نیروی انسانی	۱۶۵
تدابیر برون مرزی	۱۶۷
سایر تدابیر	۱۹۵
پی‌نوشت‌ها	۲۰۴

معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: www.pasdar.org

بسمت کمالی

ماه رمضان در هر سال، قطعه‌ای از بهشت است که خدا در جهنّم سوزان دنیای مادی ما آن را وارد می‌کند و به ما فرصت می‌دهد که خودمان را بر سر این سفره الهی در این ماه، وارد بهشت کنیم. بعضی همان سی روز را وارد بهشت می‌شوند. بعضی به برکت آن سی روز، همه سال را و بعضی همه عمر را. بعضی هم از کنار آن، غافل عبور می‌کنند که مایه تأسّف و خسران است. حالا برای خودشان که هیچ، هرکس که ببیند این موجود انسانی، با این همه استعداد و توانایی عروج و تکامل، از چنین سفره با عظمتی استفاده نکند، حق دارد که متأسّف شود. این، ماه رمضان است. ماه ضیافت الله است. ماه لیلة القدر است. «۱۳۷۲/۱۱/۱۷»

* * *

ضمن گرامیداشت یاد شهدای هفتم تیر
 به خصوص شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی رحمته الله
 و تبریک ولادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
 و آرزوی قبولی طاعات و عبادات در ماه مبارک
 رمضان و تسلیت شهادت امیرمؤمنان امام علی علیه السلام،
 هشتاد و هشتمین شماره نشریه «تدبیر ماه»،
 برگزیده رهنمودها و تدابیر مقام معظم رهبری در
 اردیبهشت و خرداد سال جاری به حضور شما
 پاسداران حرم ولایت و امامت تقدیم می شود.
 بدین امید که با دریافت هوشمندانه و
 نهادینه سازی رهنمودهای حکیمانه و تدابیر
 معظم له، مسئولان و فرماندهان به ضوابط و
 مقررات غنا و به مدیریت خود استحکام بخشند.
 ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

حدیث

عَنْ الْكَاسِمِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:
أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِينَ وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ.^۱

الشافعي: صفحه ۵۰۲

توضیح مقام معظم رهبری رَحِمَهُ اللَّهُ:

فرمودند: این دعا و درخواست را از خدای
متعال زیاد بکن! اولاً بگو: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ
الْمُعَارِينَ» پروردگارا! مرا از کسانی که ایمان آنها
عاریتی است، قرار مده!، «وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ
التَّقْصِيرِ»، من را از حد تقصیر خارج نکن. «قَالَ
قُلْتُ: أَمَّا الْمُعَارُونَ فَقَدْ عَرَفْتُ»، شخصی به

۱ _ امام کاظم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود:

این دعا را بسیار بخوان:

خدایا! مرا از عاریت داده شدگان (ایمان) قرار مده،
و از تقصیر بیرون ببر.

حضرت عرض کرد: اینکه فرمودید: «لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِينَ»، معنای معارون را فهمیدیم، «أَنَّ الرَّجُلَ يُعَارُ الدِّينَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهُ» معنای معارین این است که دین او عاریتی است، اصیل و ریشه‌دار نیست، عمیق نیست، مثل سربارِ ماشینِ باری که بار را از همه طرف ریسمان‌کشی می‌کنند، گاهی چمدانی را بالای بار می‌گذارند، این را می‌گویند سربار، در اولین دست‌انداز که ماشین تکان خورد آن چمدان پایین می‌افتد، دین عاریتی این‌طوری است. وقتی مشکلی پیش بیاید، به گردنه‌ها، به دست‌اندازها که انسان می‌رسد، دین او سرازیر می‌شود. این دین عاریتی است. سپس می‌پرسد: «فَمَا مَعْنَى لَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ؟»، حضرت می‌فرماید: «كُلُّ عَمَلٍ تَعْمَلُهُ تُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ ﷻ فَكُنْ فِيهِ مُقَصِّرًا عِنْدَ نَفْسِكَ»، هر کاری که برای خدا انجام می‌دهید، خود را در قبال پروردگار مقصر بدانید. اعتقاد پیدا نکنید که حقّ عبادت را، حق اطاعت را به‌جا آوردید، «فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ ﷻ مُقَصِّرُونَ إِلَّا مَنْ

عَصَمَهُ اللَّهُ». جز اهل عصمت، همه مردم در قبال پروردگار مقصراند. قادر به شکر نعمت‌های الهی نیستند. «وَإِنْ تُعْذُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (نحل ۱۸) کثرت نعم الهی به قدری است که از میزان درک و ظرفیت فهم ما بیرون است. اگر انسان بخواهد شکر این نعمت‌ها را بکند، همه عمر را هم که مشغول باشد، باز کم می‌آورد. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در دعای عرفه می‌فرماید: اگر من یک نعمت از نعم تو را هم بخواهم شکر کنم، تا آخر عمر نمی‌توانم. یک نعمت را در نظر بگیرید. فقط سلامتی امروزتان را، نه فردا و نه دیروز، همین را بخواهید شکر کنید، نمی‌توانید؛ چون این شکری که می‌کنید، خودش یک نعمت و توفیق الهی است. همه کس موفق به شکر، ذکر و توجه به خدا، نمی‌شوند. موفق شدید، این شد نعمت خدا، حالا این نعمت را شکر کنید. اگر آنرا شکر کردید، باز یک نعمت دیگر است. همین‌طور «هلم جرا» تا آخر عمر. چه برسد به همه نعمت‌های الهی. پس شکر نعم الهی ممکن نیست. این اقل تقصیری است که انسان ممکن است کرده

باشد، حالا تقصیر در رفتار، توجه به غیر خدا، طلب مطامع و حطام دنیا، تخلف‌ها، زورگویی‌ها، بد اخلاقی‌ها، که خودمان توجّهی به آنها نمی‌کنیم، چه بسا از ما سر زده است، پس ما همیشه مقصرایم. این را فراموش نکنیم! تا اگر نمازی خواندید، شبی را به احیاء گذراندید، توسل و گریه خوبی داشتید، فوراً خوشحال شوید. به این عبادت مغرور نشوید که اغترار بالله از مهالک عظیمی است.

جلسه یک صد و هشتاد و هشت درس خارج فقه ۸/۸/۸۶

تدابیر تربیتی و معنوی

- ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
- تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه
- اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

اعتکاف، مظهر قدرت تولید و سازندگی

نهادهایی که در جمهوری اسلامی پدید آمد و نهال‌هایی که سر کشید در زمینه اجتماعی و فرهنگی و دینی، یکی دو تا نیست و بحمدالله نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی نشان داد که در زمینه‌های گوناگون، قدرت تولید دارد، قدرت سازندگی دارد. همین نهادسازی یکی از مظاهر قدرت تولید است؛ یکی از همین نهادها

مسئله اعتکاف است ... اعتکاف در واقع [یعنی] خود را محبوس کردن در یک مکان محدود و ایجاد محدودیت در خود. عُکوف یعنی بسته بودن؛ خود را به یک نقطه‌ای منحصر کردن، برای اینکه خلوتی در دل به وجود بیاید که انسان بتواند فرصت ارتباط صمیمی و خالص با خدای عالم را پیدا کند؛ اعتکاف این است؛ یعنی عبادتی است که جنبه ریاضت دارد. خیلی از عبادات همین جورند؛ جنبه ریاضت دارند. ریاضت‌هایی که انسان با طوع و رغبت بر خود تحمیل می‌کند تا درون خود را، معنویت خود را، دل خود را ارتقا ببخشد؛ این از جمله این چنین عبادت‌هایی است. ... خوشبختانه اقبال مردم به این سنت خیلی بالا است؛ شوق جوان‌ها و عشق جوان‌ها حیرت‌انگیز است. ... این، یکی از برکات الهی است. بحمدالله خدای متعال این زمینه را فراهم کرده و این توفیق را داده و مغناطیس محبت الهی و ذکر الهی، دل‌های جوان‌ها را به خودش جذب کرده؛ این را باید مغتنم شمرد. این یک فرصت [است].^۳

برنامه‌ریزی هوشمندانه

و تقویت اصل ارتباط‌گیری با خدا

همه فرصت‌های ما در درون خودشان تهدیدهایی هم دارند؛ ... اعتکاف، جای عبادت است؛ البته عبادت فقط هم نماز خواندن نیست؛ تماس خوب با معتکفین، ارتباط دوستانه و برادرانه، فراگیری از آنها، تعلیم‌دهی به آنها، معاشرت اسلامی را تجربه کردن و آموختن؛ همه اینها فرصت‌هایی است که در اعتکاف ممکن است پیش بیاید؛ [برای] این باید برنامه‌ریزی بشود. مهم‌ترین کار، برنامه‌ریزی است. اگر چنانچه برنامه‌ریزی نشد و کمک نشدند این جمع جوان مشتاق و شوریده‌ای که برای اعتکاف وارد این مسجد شده‌اند، این نیروها هدر خواهد رفت و احیاناً زیان‌آفرین خواهد شد.

برنامه‌ریزی هم باید، هم هوشمندانه باشد، هم با توجه به معنای اعتکاف باشد. حالا فرض کنیم مثلاً یکی بیاید برنامه‌ریزی کند که برای این اعتکاف فیلم نشان بدهیم! خب، فیلم که همه جا

آدم می‌بیند؛ فیلم که احتیاج به روز ایّام‌البیض و در مسجد و مانند اینها ندارد. اعتکاف برای نزدیک شدن به خدا است. شما ببینید چه کار می‌توانید بکنید که هم دل او به خدا نزدیک بشود، هم مغز و ذهنش به خدا نزدیک بشود؛ که طبعاً وقتی انسان در درون، در دل، در باطن با خدای متعال انس پیدا کرد، در ظاهرِ او هم اثر می‌گذارد و در ظاهر هم نشان داده می‌شود. وقتی حالت خشوع به انسان دست داد، خضوع هم به دنبال خشوع می‌آید؛ و این آن‌وقت در زندگی اثر می‌گذارد؛ این جوانی که بعد از این سه روز از اعتکاف آمد بیرون، پاکیزه می‌شود، شستشو می‌شود و می‌آید بیرون؛ طهارتی پیدا می‌کند معنای او؛ این برایش ذخیره است. این خیلی چیز باعظمت و مهمی است: سه روز روزه‌داری، و انقطاع از دنباله‌های متعارف زندگی، و توجّه به خدای متعال و به معنویات و به معارف و به توحید؛ اینها خیلی باارزش است. مراقب باشید این درست انجام بگیرد، درست هدایت بشود؛ گویندگان خوبی باشند، بروند حرف بزنند،

معارف دینی را به آنها یاد بدهند. از جنجال‌های گوناگونی [هم] که در حاشیه‌سازی‌های معمول جامعه نقش دارند، پرهیز بشود و این سه روز را بگذاریم برای جهات معنوی. حالا بعد آمدند بیرون، خیلی میدان‌های دیگر و عرصه‌های دیگر زندگی هست که انسان در آن عرصه‌ها در جامعه وارد می‌شود، اما در این سه روز، ارتباط‌گیری با خدا اصل باشد و [برای آن] برنامه‌ریزی بشود؛ این آن چیزی است که [اصل است] و ان شاء الله بیشتر هم خواهد شد.^۳

وظیفه مسئولان

تقویت هنجار دینی جوانان

خدا را شکر می‌کنیم که ملت ما زنده است؛ خدا را شکر می‌کنیم که جوانان ما در راه درست حرکت می‌کنند. یک عده‌ای وقتی نگاهشان به جوان‌ها می‌افتد، نمونه‌ها و گونه‌های معدود ناهنجار را می‌بینند. بله! ناهنجاری هم هست - نه اینکه نیست - ما هم اطلاع داریم؛ اما این هنجار عمومی ملت ایران و جوانان ما، هنجار دینی است؛ هنجار علاقه‌مندی به دین و میهن و اسلام و قرآن و معنویت و ملیت و مانند اینها است؛ این را نباید از یاد برد و فراموش کرد. جوان‌های ما بحمدالله جوان‌های خوبی هستند. از جمله وظائف ما این است که: کمک کنیم این جوان‌ها خوب بمانند و خوب پیش بروند و انشاءالله برای کشورشان به‌خوبی و کمال، مفید واقع بشوند.^۸

انتظار امیدبخش و تحقق وعده الهی

باید منتظر بود. ... حقیقتاً روحیه انتظار و روحیه ارتباط با ولی عصر ارواحنا فداه و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری می‌کند؛ امید می‌دهد، خط می‌دهد. مسئله امام زمان عجل الله تعالی فرجه این است و امیدواریم که خدای متعال ما را به معنای واقعی کلمه از منتظران قرار بدهد و چشم ما را به تحقق این وعده الهی روشن کند.^{۲۰}

تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

فضائل امیرمؤمنان امام علی علیه السلام

درباره امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام سخن زیاد گفته شده است، لکن همه حقیقت هنوز گفته نشده است. ... از قول نبی اکرم نقل شده است که فرمود: برادرِ علی، فضائلی دارد که «لا تُحصی» (بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹) - قابل شمارش نیست - یعنی انسان‌ها قادر نیستند این فضائل را بشمرند؛ یعنی فوق درک و عقل و فهم بشر معمولی است؛ این امیرالمؤمنین است. خب! ما احتیاج به الگو داریم، احتیاج به اسوه داریم، [پس] با این نظر به امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه کنیم. به نظر این حقیر، در [چهار] سرفصل باید زندگی امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام را مورد ملاحظه قرار داد. ...

۱- ... مقامات معنوی امیرالمؤمنین: مقام معرفتِ توحیدی امیرالمؤمنین، مقام عبادت او، مقام تقربِ او به خدا، مقام اخلاص او که اینها چیزهایی است که عمق آن و کُنه (حقیقت) آن واقعاً از دسترس ما

خارج است. ... ابن ابی‌الحدید - عالم سنّی معتزلی -
 - وقتی یکی از خطبه‌های امیرالمؤمنین را که
 مربوط به توحید است نقل می‌کند در نهج‌البلاغه،
 می‌گوید ... جا دارد که ابراهیم خلیل‌الرّحمن به این
 فرزند خود بگوید: تو سخنانی در توحید بیان
 کردی در جاهلیت عرب، که من در جاهلیت نبط،
 نتوانستم این سخنان را بیان کنم و نتوانستم این
 حقایق را ابداع کنم. (شرح نهج‌البلاغه، ج ۷، ص ۲۳) ...

۲- ... مجاهدت‌های امیرالمؤمنین: ... این
 مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها، اوج قلّه فداکاری است.
 آنچه امیرالمؤمنین از فداکاری برای اسلام، برای
 دین، برای حفظ جان پیغمبر، برای حفظ دین
 پیغمبر، برای شرف و عظمت امت اسلامی
 انجام داد، واقعاً جهادهای فوق طاقت بشری است.
 از دوران کودکی، از اوّلی که پیغمبر را به‌عنوان
 مربّی خود شناخت و در دامن پیغمبر رشد پیدا
 کرد و اسلام را در کودکی پذیرفت، در همه آن
 دوران سخت سیزده‌ساله مکّه، بعد در ماجرای
 بسیار دشوارِ هجرت به مدینه، بعد در دوران

ده‌ساله حیات مبارک پیغمبر در مدینه و آن جنگ‌ها و آن فداکاری‌ها و آن گرفتاری‌ها، در همه این دوران‌ها، این انسان یک انسان ایستاده بر اوج قله فداکاری است. بعد از رحلت پیغمبر هم همین‌جور: صبر امیرالمؤمنین، فداکاری بود؛ اقدام‌های او، فداکاری بود؛ همکاری‌های او، فداکاری بود؛ قبول خلافت، فداکاری بود؛ کارهایی که در دوران کوتاه خلافت انجام داد، یکی پس از دیگری فداکاری بود. کتاب فداکاری‌های امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السّلام به تنهایی یک کتاب طولانی و پر حجمی برای هر بیننده‌ای است. انسان را واقعاً متحیر می‌کند. این قدر انسان بتواند با عزم راسخ در راه خدا، جان خود، حیثیت خود، توانایی‌های خود، شئون خود، همه را تقدیم کند! تصوّر آن از عهده بنده و امثال بنده خارج است. ...

۳- ... سلوک امیرالمؤمنین در دوران حکومت: چه سلوک شخصی، چه سلوک اجتماعی و حکومتی. سلوک شخصی، زندگی زاهدانه علی در دوران حکومت و قدرت [است]. یک کشور

پهناور عظیمی در ید قدرت امیرالمؤمنین بود؛ از اقصای شرق، تا مصر، تا آفریقا - این منطقه عظیم - همه دولت اسلامی و تحت حکومت امیرالمؤمنین بود؛ این حاکم بزرگ و مقتدر، با این کشور پهناور و ثروتمند، زندگی شخصی اش، سلوک شخصی اش، مثل یک انسان مستمند و بینوا بود؛ با یک لباس زندگی بکند، نان جو و خشک غذای او باشد، از همه لذات مادی پرهیز کند؛ طوری که خود او خطاب به همراهان و همکاران و دولتمردان زمان خود می فرمود: «انَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكُ»؛ (بج البلاغه، نامه ۴۵) شما نمی توانید! راست هم می گفت. هیچ کس نمی تواند. واقعاً این عجیب است که زندگی شخصی امیرالمؤمنین در دوران حکومتش این جوری باشد - در یک خانه محقر زندگی بکند؛ زندگی معیشتی او در حد اقل، مثل یک انسان مستمند و بینوا و فقیر [باشد] - و به این همه کار بزرگ پردازد. و سلوک اجتماعی اش، اقامه حق، اقامه عدل، ایستادگی برای انفاذ (اجرا کردن) حکم الهی؛ واقعاً هر عقلی حیران می شود در مقابل این همه

عظمت و این همه قدرت. این چه انسانی است؟ این غیر از مقامات معنوی است؛ سلوک سیاسی [است]. سیاستمداران دنیا و حکام عالم، چه جوری زندگی کردند؟ امیرالمؤمنین چه جوری زندگی کرد؟ این هم یک سرفصل مهمی است که دیگر تا امروز نظیری نداشته است و نخواهد داشت؛ زهد امیرالمؤمنین و سلوک شخصی او و عبادت او در دوران اقتدارش. به امام سجّاد علیه الصّلاة و السّلام عرض کردند که: یا بن رسول الله! شما چرا این قدر به خودتان سختی می‌دهید، فشار می‌آورید، این جور عبادت می‌کنید، این جور زهد می‌کنید، این جور روزه می‌گیرید، این جور گرسنگی می‌کشید؟ امام سجّاد گریه کرد. فرمود: آنچه من می‌کنم، درمقابل آنچه جدّم امیرالمؤمنین می‌کرد، چیست؟! کار من کجا، کار او کجا؟! یعنی امام سجّاد، سلوک عبادی و زاهدانه خود را در مقابل سلوک زاهدانه و عبادی امیرالمؤمنین کوچک می‌شمارد؛ این خیلی مهم است. ...

۴- ... آن هدفی است که امیرالمؤمنین نسبت به مردم، در دوران حکومت داشته است که نکته بسیار

مهم و اساسی است. بنده می‌خواهم اندکی روی این نکته تکیه کنم. امیرالمؤمنین فرمود: اگر از من اطاعت کنید، من شما را به بهشت می‌رسانم. عبارت امیرالمؤمنین در خطبه نهج‌البلاغه این است؛ می‌فرماید: «فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَأِنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ»؛ فرمود: اگر آنچه من می‌گویم، گوش کنید و عمل کنید، من شما را به بهشت خواهم رساند، ان شاء الله؛ «وَإِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَ مَذَاقَةٍ مَرِيرَةٍ»؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۶) اگرچه این کار، بسیار دشوار است، بسیار سخت است، تلخ است. این حرکت، حرکت کوچکی نیست، حرکت آسانی نیست؛ این هدف امیرالمؤمنین [است]. رساندن انسان‌ها به بهشت، هم در زمینه فکری مردم، [هم] در زمینه روحی و قلبی مردم، [هم] در حیات اجتماعی مردم، نقش می‌آفریند. ... این کاری است که امیرالمؤمنین بار آن را بر دوش خود گرفته است و احساس وظیفه می‌کند که مردم را به بهشت برساند.^۸

اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

هدف نهایی فهم قرآن و عمل به آن

زبان ما قاصر است از شکر نعمت اقبال به قرآن در کشور؛ بنده هروقت در خبرها یا در تلویزیون مشاهده می‌کنم که جوانان ما در سراسر کشور به قرآن اقبال دارند، از ته دل خدای متعال را شکرگزاری می‌کنم. نعمت بزرگی است؛ ما این نعمت را و عظمت آن را درک می‌کنیم. در دورانی دیدیم که در کشور ما حفظ قرآن و تلاوت قرآن رونقی نداشت؛ در دوران رژیم طاغوت، علاقه‌مندان به قرآن همه‌جا بودند، اما رونق و عمومیت و شیوع اقبال به قرآن در کشور وجود نداشت. امروز که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم به برکت جمهوری اسلامی، جوان‌های ما، مردان ما، زنان ما، نوجوانان ما به قرآن علاقه و گرایش نشان می‌دهند؛ قرآن را فرا می‌گیرند، تلاوت قرآن را می‌آزمایند، قرآن را حفظ می‌کنند. اینها البته هدف‌های برتر و نهایی نیست، هدف نهایی، فهم قرآن و عمل به قرآن است؛ اما اینها قدم‌های لازم ابتدایی است.^{۱۶}

انس با قرآن

بزرگ‌ترین نعمت الهی

اگر قرآن در جامعه رواج پیدا کند، رونق پیدا کند، حفظ قرآن رایج بشود، انس با قرآن در بین اقشار مختلف جامعه رواج پیدا بکند، جامعه برای عمل به قرآن نزدیک می‌شود؛ ما این را می‌خواهیم. قرآن نور است، قرآن هدایت است، قرآن بیان است، تبیان است؛ قرآن با انسان حرف می‌زند، با دل انسان حرف می‌زند، با باطن انسان حرف می‌زند. با قرآن باید مأنوس شد، به قرآن باید نزدیک شد، اولین بهره را دل آماده و مستعد انسان می‌برد؛ اگر دیدید دلتان به قرآن نزدیک است، خدا را شکر کنید؛ اگر دیدید معارف قرآنی را به آسانی قبول می‌کنید و در دل می‌پذیرید و تحمل می‌کنید، بدانید که خدای متعال اراده کرده است شما را هدایت کند؛ «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ». (انعام ۱۲۵) خاصیت قرآن این است: اگر دل شما به قرآن نزدیک شد، اگر انس با قرآن پیدا کردید، بدانید خدای متعال اراده کرده شما را هدایت کند و این بزرگ‌ترین نعمت الهی است.^{۱۶}

آثار و برکات انس با قرآن

به شما جوانان عزیز توصیه می‌کنم: انستان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند؛ آن کسانی که با تلاوت قرآن مأنوس‌اند، این رشته مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبط‌اند، تدبّر در قرآن را، تدبّر در معانی قرآن را، تعمّق در مفاهیم قرآنی را، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم‌به‌قدم به قرآن نزدیک می‌کند. اگر با قرآن مأنوس شدیم، به قرآن نزدیک شدیم، مفاهیم قرآنی در دل ما توانست اثر بگذارد، آن وقت می‌توانیم امیدوار باشیم که امت اسلام عزّت و عده داده شده از سوی خدای متعال را [به دست خواهد آورد]: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون ۸) این عزّت را آن وقت خدا به امت اسلامی خواهد داد. اگر با قرآن مأنوس شدیم، آثار و برکات آن اینهاست.^{۱۶}

تحقق وعده‌های کوچک

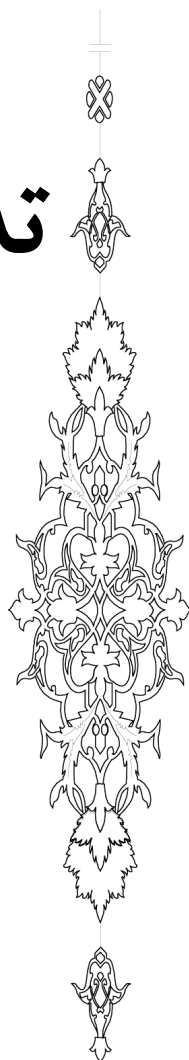
برای اطمینان به تحقق وعده‌های بزرگ

به نظر من [آیات قصص ۷ و ۱۳] آیات جالب و مهمی است. یک نکته‌ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ ... إِنَّا رَآدُوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (قصص ۷) [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده «جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» است؛ یعنی آن وعده عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده دوم را هم داد: «جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ». یعنی این را ما از طرف خودمان می‌فرستیم، و او را همان مُرسَلی قرار می‌دهیم که بنا است آن وعده بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد. این دو وعده را

خدای متعال داد. یک وعده، وعده نقد و نزدیک بود و آن، «إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ» بود. در آیات بعدی ... می‌فرماید: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ (قصص ۱۳) اینکه ما بچه را به مادر برگردانیم، خب بله: «تَقَرَّ عَيْنُهَا» دارد، «وَلَا تَحْزَنَ» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که: «وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم - و گفتیم منجی را می‌فرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند - وعده درستی است؛ دلش مطمئن بشود و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعده کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبیری از تحقق این وعده کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد. آنچه از موفقیت‌ها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از

همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمی‌برید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصوّر آن را نمی‌کرد! چه کسی خیال می‌کرد در این منطقه بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله با آن رژیم به‌شدّت حمایت‌شونده از سوی قدرت‌های بین‌المللی، یک حکومتی به‌وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری می‌کرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من می‌دانستم این‌جوری می‌شود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمی‌داد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.^{۲۰}

تدابیر آموزشی



- نقش مربیان و اساتید
- روشمندی و پویایی علمی و آموزشی
- آموزش و تعمیق معارف دینی

نقش مربیان و اساتید

ضرورت تکریم معلّم و حرفه تعلیم

جلسه ما با معلمان در هر سال، یک هدف اصلی دارد و چند هدف پیرامونی. هدف اصلی، تکریم نمادین از معلّم است. ما می‌خواهیم با این دیدار ارادت خودمان را به مقام معلّم ابراز کنیم؛ این حرکت نمادین کار لازمی است، باید تکریم معلّم و حرفه تعلیم در جامعه ما همگانی بشود، همه افتخار کنند به معلّم بودن، همه افتخار کنند به اینکه به معلّم سلام می‌کنند، احترام می‌کنند. مقام معلّم هرچه بالا برود، مقام تعلیم و تربیت در جامعه بالا رفته است. نگاه کوتاه‌بینانه به معلّم برای

جامعه یک خسارت است، این را باید مانع شد؛ نگاه به معلّم باید نگاه تکریم‌آمیز باشد. بسیاری از مشاغل گوناگون در کشور با زرق‌وبرق، با جلوه‌گری‌های گوناگون وجود دارند که جایگاه همه اینها از شأن تعلیم و حرفه تعلیم بسیار پایین‌تر است؛ این را باید همه ما بفهمیم و درک کنیم. وقتی از قول پیغمبر اکرم نقل می‌شود که فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»، (شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۹۵) این، بالاترین افتخار است که پیغمبر خود را معلّم می‌داند. سطح تعلیم و محتوای تعلیم، طبعاً یک سطح متفاوتی است، امّا در رتبه عالی و در رتبه‌های امثال ما، حقیقت تعلیم یک چیز است؛ این مایه افتخار است. این، مطلب ما است. ما می‌خواهیم با این دیدار نشان بدهیم که برای معلّم احترام قائلیم، تکریم قائلیم، زیر بار منت معلّمیم؛ هم برای خودمان، هم برای فرزندانمان و عزیزانمان و کسانی که آینده آنها برای ما مهم است. همه مردم در این جهت شریک‌اند؛ همه زیر بار منت معلّمانیم. مطلب اصلی ما این است.^۵

ویژگی‌های نیروی انسانی آموزش و پرورش

آموزش و پرورش، بزرگ‌ترین مجموعه حکومتی در نظام جمهوری اسلامی است. بیش از یک میلیون [نفر] موظفین در این تشکیلات عظیم‌اند که با بیش از دوازده میلیون مستقیم، و با بیش از ده‌ها میلیون - یعنی با خانواده‌ها - غیر مستقیم، سروکار دارند. این چنین شبکه عظیمی، خیلی مهم است. نیروهایی که باید در این شبکه عظیم به کار گرفته بشوند، باید خصوصیات داشته باشند. یکی از این خصوصیات این است که پُرانگیزه باشند، بانشاط باشند؛ از نیروهای خسته، فرسوده، بی‌ابتکار - کسانی که هرچه بلد بودند، به کار زدند، دیگر هیچ کاری بلد نیستند - نباید به عنوان عناصر اولویت‌دار استفاده کرد. اولویت با نیروهای جوان، بانشاط، پُرانگیزه، متدین، انقلابی و کسانی است که مسئله آنها در آموزش و پرورش، همان مسئله اصلی آموزش و پرورش باشد؛ یعنی تربیت انسان‌ها؛ از اینها باید استفاده کرد؛ این یک مسئله است. بنابراین، در مدیریت‌های کلان و

سطح بالای آموزش و پرورش، اولین مسئله به نظر من این است که: نگاه کنند، ببینند از چه نیروهائی استفاده می‌کنند؟ از نیروهای مؤمن، انقلابی، بانشاط، علاقه‌مند، عاشق کار خود، و آماده ورود در میدان‌های دشوار در محدوده اهداف آموزش و پرورش! این مهم‌ترین کار است.^۵

روشنمندی و پویایی علمی و آموزشی

وظایف معلم:

الف - یاد دادن دانش:

معلم عزیز بداند: شغل او فقط تعلیم نیست؛ یا به تعبیری فقط تعلیم مطالب کتاب و دانش در دست اجرا نیست. معلم، هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد، هم رفتار و اخلاق آموزی در کار او باشد. اگر تعلیم را یک معنای وسیعی بگیریم، این سه عرصه را شامل می‌شود: یاد دادن دانش؛ محتوای کتاب‌ها و محتوای علوم و مانند اینها که باید بچه‌های ما - مردان و زنان آینده کشور ما - اینها را یاد بگیرند. این، یک کار است.

ب - یاد دادن تفکر

کار دوم که از این [یاد دادن دانش] مهم‌تر است، یاد دادن تفکر است. کودک ما فراگیرد که فکر کند - فکر صحیح، فکر منطقی - و برای فکر کردن درست راهنمایی بشود؛ سطحی‌نگری، سطحی‌آموزی در مسائل زندگی یک جامعه را

زمین گیر می کند، در بلندمدت بدبخت می کند؛ باید فکر کردن را در جامعه نهادینه کرد. لذا شما ببینید که ما مثلاً از شهید مطهری که نام می آوریم، فقط به علم شهید مطهری اهمیت نمی دهیم، به تفکر شهید مطهری اهمیت می دهیم. اگر کسی دارای تفکر بود، این روحیه موجب می شود که او بتواند مسائل مهم علم را هم کشف کند. اگر جوان ما، عالم ما، دانشمند ما متفکر بار آمده باشد، از آن ذخیره دانشی که در اختیار او است، ده ها و صدها مسئله جدید مطرح می کند و پاسخ می گیرد. پس استفاده از علم با تفکر ممکن است.

ج- یاد دادن سبک زندگی

سوّم، رفتار و اخلاق؛ آموزش رفتاری، آموزش اخلاقی ... سبک زندگی، نوع رفتار. ما ملّتی هستیم با آرمان های بلند، با حرف های بزرگ، با قلّه های ترسیم شده ای ... که می خواهیم خودمان را به این قلّه ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسان های صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تنبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و

انسان‌هایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می‌شود. همه انسان‌ها هم قابل تربیت‌اند. بعضی ممکن است دیرپزیرتر باشند، بعضی زودپزیرتر؛ بعضی تربیت در آنها ماندگارتر باشد، بعضی کم دوام‌تر؛ اما همه انسان‌ها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل می‌شود؛ این در درجه اول به عهده چند عنصر اصلی است که یکی از عناصر اصلی معلّم است. البته پدر، مادر، رفیق و مانند اینها هم مؤثراند. لکن تأثیر معلّم، یک تأثیر عمیق‌تر و ماندگارتری است؛ این کاری است که معلّم باید بر عهده بگیرد.

د- نتیجه

پس بنابراین: معلّم دانش می‌آموزد. تفکر می‌آموزد. اخلاق و رفتار هم می‌آموزد. آموختن رفتار و اخلاق از قبیل آموختن دانش نیست که فقط انسان از روی کتاب بخواند؛ درس اخلاق را با کتاب نمی‌شود منتقل کرد. بیش از کتاب و بیش از زبان، رفتار مؤثر است؛ یعنی شما در داخل اتاق درس و میان دانش‌آموزان، با رفتار خودتان به آنها درس می‌دهید.

البته با زبان هم باید گفت، باید نصیحت کرد. اما رفتار تأثیر عمیق‌تری دارد، تأثیر همه‌گیرتری دارد. صادقانه بودن سخن را رفتار انسان روشن می‌کند؛ این عرض ما به معلمین [است]. این بچه‌ها امانت‌اند در دست جامعه معلم! بایستی به معنا توجه کرد. اگر ان شاء الله معلمین ما در این صدد برآیند که کودکان را، نوجوانان را با این شیوه - یعنی با نگاه کردن به این سه عنصر - بالا بیاورند و پیش ببرند، تصوّر بنده این است که در آینده جامعه، تأثیرات زیادی خواهد داشت. البته پس از انقلاب، کارهای خوبی در این زمینه شده است؛ یعنی واقعاً جامعه معلمین با تعهدی که داشته‌اند، با حضور در فضای انقلابی - چه در سال‌های دفاع مقدس، چه بعد از آن - تأثیرات زیادی گذاشته‌اند. گاهی من بعضی از این کتاب‌هایی که درباره معلمین است می‌خوانم؛ تأثیر معلمی که در جبهه‌های دفاع مقدس حضور پیدا کرده است و شهید شده است بر روی فکر دانش‌آموزانش، تأثیر شگرفی است که انسان این را مشاهده می‌کند.^۵

جدّیت در تحقّق سند تحوّل

سند تحوّل [آموزش و پرورش] - که بحمدالله در این سال‌های اخیر تنظیم شد و تثبیت شد - یک چیزِ دفعی‌الوجود نبود؛ این از اوایل انقلاب، جزو آرزوها بود. چون نظام آموزش و پرورش در کشور ما، از تقلید از نظام‌های آموزش و پرورش غربی پدید آمده بود، با همان شکل، با همان محتوا، تقریباً با همان ترتیب؛ یک تحوّل اساسی لازم بود در فضای آموزش و پرورش؛ چه از لحاظ قالب، چه از لحاظ محتوا. خب! این فکر در خیلی‌ها بود در طول سال‌ها؛ به تدریج پخته شد، به سند تحوّل انجامید. عرض نمی‌کنیم که این سند تحوّل، حدّ اعلای خواسته‌ها است. نه! برای هر چیزی یک حدّ بالاتری هم متصور است. ممکن است ان شاء الله شما عمل کنید، پیش بروید، تجربه بیاموزید. بعد از گذشت زمانی چیزی بر آنچه امروز موجودی شما است بیفزایید. لکن فعلاً این سند تحوّل در اختیار ما است؛ این را باید جدّی گرفت. عرض من و توصیه من به مسئولین محترم و مدیران محترم این است که سند تحوّل را جدّی بگیریم؛ فراتر از اظهارات رسمی؛ در عمل.^۵

لزوم اهمیت به دانشگاه «تولید معلّم»

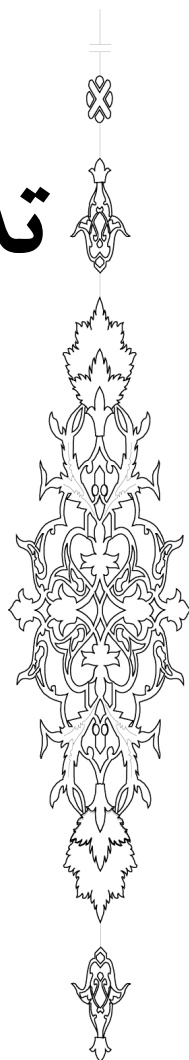
دانشگاه فرهنگیان - یا به تعبیر قدیمی،
دانشگاه تربیت معلّم - دانشگاه است، لکن با
دانشگاه‌های معمولی فرق دارد. علاوه بر
امتیازاتی که دانشگاه‌های دیگر دارند، امتیاز
«تولید معلّم» مخصوص این دانشگاه است؛
این شرایطی دارد؛ به این دانشگاه خیلی باید
اهمّیت داد.^۵

آموزش و تعمیق معارف دینی

ضرورت توجه و اهتمام به پرورش

[در مورد] مسئله پرورش و معاونت پرورشی، کوتاهی‌هایی شد، بی‌توجهی شد؛ ... معاونت پرورشی، مجموعه‌ای که همّت آن عبارت باشد از پرداختن به مسئله پرورش، که همان جنبه‌های فکری و معنوی و انقلابی و رفتاری و اخلاقی است، مهم است.^۵

تدابیر فرهنگی و هنری



- جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی
- کنترل و نظارت بر رسانه‌ها و مطبوعات
- اطلاع‌رسانی و تبیین

جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

نیاز به کتاب دانشنامه مهدویت

دانشنامه مهدویت، (دانشنامه امام مهدی علیه السلام) ... به نظرم کتاب برجسته و جالبی آمد. ... کار، کار، بسیار مهمی است؛ کار بزرگی است. عمده این است که ذهن متوجّه یک نیاز و یک خلأ بشود و همّت برای پر کردن این خلأ و برآوردن این نیاز برانگیخته شود. این کارها شده - طبعاً هیچ کاری هم از ما انسان‌ها بدون نقص و قصور نیست - مهم این نیست که آیا این کتاب کامل است، یا جامع است، یا نقصی دارد یا ندارد؛ مهم این است که این کتاب هست؛ نیاز به آن احساس شد و همّت برای تولید آن برانگیخته شد و بحمدالله متولّد شد و به عرصه وجود آمد.^{۲۰}

تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «من زنده‌ام»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب را با احساس دوگانه اندوه و افتخار و گاه از پشت پرده اشک، خواندم و بر آن صبر و همت و پاکی و صفا، و بر این هنرمندی در مجسم کردن زیبایی‌ها و زشتی‌ها و رنج‌ها و شادی‌ها آفرین گفتم. گنجینه یادها و خاطره‌های مجاهدان و آزادگان، ذخیره عظیم و ارزشمندی است که تاریخ را پر بار و درس‌ها و آموختنی‌ها را پر شمار می‌کند. خدمت بزرگی است آنها را از ذهن‌ها و حافظه‌ها بیرون کشیدن و به قلم و هنر و نمایش سپردن!

این نیز از نوشته‌هایی است که ترجمه‌اش لازم است. به چهار بانوی قهرمان این کتاب به‌ویژه نویسنده و راوی هنرمند آن سلام می‌فرستم.^{۲۱}

۹۲/۷/۵

کنترل و نظارت بر رسانه‌ها و مطبوعات

لزوم نهایت امانت، دقت و اتقان در کتاب‌ها

خیلی باید مراقبت کرد از کتاب‌های درسی؛ هم بایستی اتقان داشته باشد - حرف سست در این کتاب‌ها مضر است؛ نه اینکه مفید نیست، زیان‌بار است - [هم] حرف‌های انحرافی، چه انحراف سیاسی، چه انحراف دینی، [چه] انحراف از واقعیت‌ها، در این کتاب‌ها مضر است. کسانی که مسئولیت این کار را دارند، باید در نهایت امانت و در نهایت دقت مشغول این کار باشند.^۵

اطلاع‌رسانی و تبیین

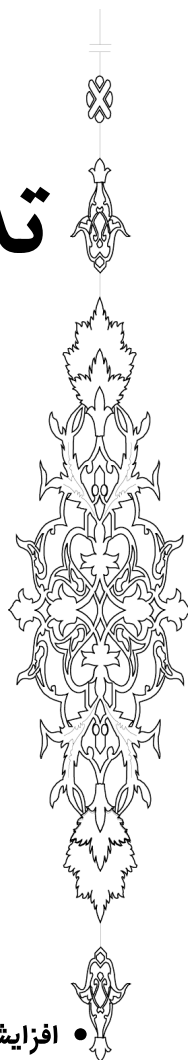
لزوم معرفی کارهای خیرین به افکار عمومی

باید به صداوسیما و مانند اینها هم سفارش بشود ... تا آنها هم به افکار عمومی، وجود یک چنین کاری [کار خیرین مدرسه‌ساز] را تفهیم کنند و خوشبختانه در اطراف کشور شبیه این کارها دارد رشد می‌کند؛ روزبه‌روز دارد بیشتر می‌شود. خیرین درمان، در این چند سال اخیر به‌وجود آمده‌اند که دارند کارهای خوبی انجام می‌دهند. به‌هرحال، مردم خیر در کشور فراوان و زیادند و مایلند کار خوب انجام بدهند؛ باید کار را به آنها معرفی کرد و به آنها اعتماد کرد.^۴

مقصود ما از فرهنگ

هر جا می‌گوییم: فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی! فرهنگ این است. این جور نیست که به هر شکلی ابزارهای فرهنگی در کشور به وجود آمد، ما خوشحال بشویم که: بله! فرهنگ پیشرفت کرده. نه! پیشرفت فرهنگ و تکیه روی فرهنگ به معنای فرهنگ انقلابی است، فرهنگ اسلامی است، فرهنگ دینی است، تقویت ارزش‌های انقلابی و اسلامی است؛ این مراد ما است و این آن چیزی است که مورد انتظار از من و شما - به عنوان سربازان این انقلاب - است که باید سینه‌مان را سپر کنیم و برای انقلاب کار کنیم.^{۱۲}

تدابیر مدیریتی



• افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

• ساماندهی و همگرایی درون سازمان

• فرهنگ کار و عمل به تکلیف

• جهت‌گیری در مدیریت

افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

ارتقاء ده برابری رتبه

با استعداد و عزم راسخ جوانان

امروز شما جوان‌های این کشور، فعالان این کشور و مدیران جهادی باارزش، توانسته‌اید خودتان را به رتبه بالای ساخت نیروگاه‌های گازی - یعنی رتبه ششم دنیا - برسانید؛ یک شرکتی در آمریکا، شرکتی در آلمان، شرکتی در فرانسه، شرکتی در ایتالیا، شرکتی در ژاپن، ششمین در دنیا شما هستید؛ و شما نیروگاه‌های گازی را دارید می‌سازید؛ این خیلی مهم است. آن سال‌ها به ما می‌گفتند: نمی‌شود! اما با پشتکار، با همت، با توکل به خدای متعال، با تشویق نیروهای بااستعداد، با عزم راسخی که مدیران ما به کار بردند، این کار اتفاق افتاد. من می‌خواهم بگویم: عزیزان من! شما

این سطحی را که امروز هستید، بکنید ده برابر؛ آن هم قابل اتفاق افتادن است، آن هم خواهد شد. بعضی چیزها را همّت‌های کوتاه و نگاه‌های نزدیک‌بین نمی‌توانند درک کنند و بفهمند. چون طبیعت انسان را نمی‌شناسند. چون کمک الهی را نمی‌فهمند. چون قدر و قیمت عزم راسخ را درک نمی‌کنند و استعدادهای درونی خود ما را انکار می‌کنند. این هم جزو بلاهایی است که سر ملت ما آمد؛ سال‌های متمادی تسلط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر این کشور، این را باورانده بود که ایرانی استعداد ندارد؛ ببینید چه خیانت بزرگی است! استعداد ایرانی از متوسط استعداد دنیا بالاتر است؛ جوان ایرانی، استعداد ایرانی، جزو درجات بالای استعداد بشری در همه دنیا است؛ آن وقت این را این جور وانمود می‌کردند که: نه! اینجا استعداد نیست. این مربوط به قبل از انقلاب است و متأسفانه تا سال‌هایی از شروع انقلاب هم بودند کسانی که هنوز این تفکرات غلط در ذهنشان ریشه داشت.^۱

مدیریت جهادی

با خودباوری و اعتماد به کمک الهی

عامل مهم مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی. اینکه من نام مبارک امام باقر علیه السلام و نام مبارک امیرالمؤمنین و تبریک ایام مبارک رجب را در طلیعه عریضم عرض می‌کنم، به‌خاطر این است؛ در همه کارها توکل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی [کنیم]؛ به کمک‌های الهی اعتماد کنیم. [وقتی] شما از خدای متعال کمک می‌خواهید، راه‌ها به‌سوی شما باز می‌شود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». (طلاق ۲ و ۳) این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکل‌های مختلفی به من و شما می‌رسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق می‌زند، می‌درخشد، راهی باز می‌شود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه فشار، ناگهان یک امید وافری در دل شما به‌وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است. بنابراین، اعتماد به کمک الهی؛ به‌کارگیری هوش و دانش؛ که این هم یکی از ارکان مقاومت اقتصادی است.^۱

کارآمدی مردم

در هر کاری که مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور، امور را به مردم محوّل کردند، این کار موفق شد، این کار پیشرفت کرد؛ این یک تجربه است، این را باید ما یاد بگیریم؛ مکرر این را ما گفته‌ایم. یک وقت نگاه تنگ‌نظرانه است و مسئول دولتی انحصاراً کار را در دست می‌گیرد. این کار می‌ماند. متوقف می‌شود. [اما] کار وقتی داده شد به نیروی عظیم و بی‌پایان مردم، با انگیزه‌هایشان، با توان‌های مادّی و معنوی‌شان، آن وقت کار رشد پیدا می‌کند، شکوفایی پیدا می‌کند.^۴

ساماندهی و همگرایی درون سازمان

الزامات مدیران

در تربیت نیروهای انقلابی و متدین

مدیرانی که انتخاب می‌کنیم، ... مدیرانی باشند که اهتمامشان به آن مسئله اصلی آموزش و پرورش باشد. داشتن نگاه‌های جریان‌ی و سیاسی و حزبی و جناحی و این چیزها، برای آموزش و پرورش سم است. ما در طول این سال‌های متمادی دورانی را دیدیم که به این چیزها اهتمام بیشتری شد، و آموزش و پرورش خسارت یافت. مراقب باشید! جوری با مسائل گوناگون آموزش و پرورش برخورد بشود که مسئله مدیر هر بخش از این دستگاه عظیم و عریض و طویل، مسئله «آموزش» و «پرورش» باشد؛ تربیت انسان باشد، تربیت نیروی انقلاب باشد. ... اینکه ما تکیه می‌کنیم بر روی نیروهای انقلابی و نیروهای متدین، به‌خاطر این است که ما راه طولانی در پیش داریم؛ این ملت راه طولانی در پیش دارد. هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی

انقلاب در نظر گرفتیم ... آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه نمونه است. شما می‌خواهید در محدوده ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفت‌های مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق. ... آنچه برای بشر در درجه اول لازم است، امنیت روحی است، امنیت اخلاقی است، امنیت وجدانی است، رضایت وجدان است. ... آن جامعه‌ای مورد نظر اسلام است که از لحاظ مادی، یعنی از لحاظ ثروت، از لحاظ علم، از لحاظ سطح زندگی، در سطح بالایی باشد؛ از لحاظ اخلاق و معنویت هم در آن سطح و یا بالاتر از آن سطح باشد. این می‌شود جامعه اسلامی؛ شما می‌خواهید این را درست کنید؛ این راه خیلی طولانی در پیش دارد. و این شدنی است، کسی نگوید: نمی‌شود. چرا! خیلی چیزها را خیال می‌کردند نمی‌شود، شد.

... توانایی‌های انسان خیلی زیاد است، ما خیلی کارها می‌توانیم بکنیم، انسان می‌تواند خیلی رشد مادی و معنوی توأمان بکند. خب! ما می‌خواهیم به این اهداف برسیم؛ این اهداف، انسان لازم دارد؛ بیش از همه چیز، آدم لازم است. از جاده مهم‌تر، راه‌رونده در آن راه و جاده است؛ اگر چنانچه رونده وجود نداشته باشد، جاده آسفalte هم به درد نمی‌خورد. اگر رونده با همّت وجود داشته باشد، نبود جاده آسفalte هم ضرر نمی‌زند. می‌بینید این کوهنوردها تا کجا می‌روند؛ جاده که نیست، اما پا هست و همّت هست. می‌توان پیش رفت، می‌توان بالا رفت، می‌توان استعدادهای ناشناخته را همچنان شناخت و مورد بهره‌برداری قرار داد. می‌توان گره‌ها را پی‌درپی گشود. همه اینها آدم لازم دارد. این آدم در آموزش پرورش باید پایه‌گذاری بشود، البته دانشگاه‌ها هم مهم است، محیط جامعه هم مهم است، صدا و سیما هم مهم است، اما هیچ‌کدام به اهمیت آن پایه ابتدایی، پایه دبستان، نیست. معلّمان و مدیران این دستگاه عظیم، یک‌چنین

مسئولیتی دارند. بنابراین، ما تأکید می‌کنیم، تکیه می‌کنیم که باید متدین باشند، باید انقلابی باشند. با این روحیهٔ تدین و انقلابیگری است که می‌شود این راه را پیش رفت. سنگلاخ هم باشد، می‌شود پیش رفت. مانع هم باشد، از روی آن مانع می‌شود پرید. به شرط اینکه روحیهٔ انقلابی و تدین و پایبندی به تعهد دینی و انقلابی وجود داشته باشد.^۵

فرهنگ کار و عمل به تکلیف

نگاه اسلام به تکریم کار و کارگر

آنچه ما همیشه بر روی آن تکیه کردیم، تأکید کردیم و از بن دندان معتقدیم که برای کشور، برای فرهنگ عمومی کشور یک ضرورت است، عبارت است از تکریم و احترام گذاشتن به کار و کارگر. کارگر معنای عامی دارد؛ امام علیه السلام می فرمودند: پیغمبران هم کارگر بودند؛ همین جور است. ... نفس کار احترام دارد، نفس تحرّک و تلاش در جهت درست دارای احترام است؛ این نگاه اسلام است. همه چیز بر پایه این تکریم و احترام بایستی شکل بگیرد. اگر ما چیزی به نام حقوق کارگر و منزلت کارگر تعریف می کنیم، بر اساس همین احترام به کار و احترام به کارگر باید باشد. واقع قضیه هم این است که تمدن های بشری و پیشرفت های مادی عالم در همه دوره ها، و همچنین پیشرفت معنوی و روحی و درونی هر انسان، جز با کار فراهم شدنی نیست؛ کار لازم است، تلاش لازم است. ... «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا

ما سَعَى؛ (نجم ۳۹) یعنی دستاورد شما تنها در سایه سعى شما و تلاش شما و کار شما است. در هر سطحی باید این گونه فکر کنیم؛ باید کار کنیم.

نگاه مخاصمه‌آمیز میان کارگر و کارآفرین و امثال اینها، یک تعبیر غلط از یک واقعیت است؛ همه باید با هم همکاری کنند. اصلاً نگاه تضادّ و تعارض و تراحمی که بر تفکّرات غربی حاکم بوده است - مخصوص مارکسیست‌ها هم نیست؛ قبل از مارکسیست‌ها هم نگاه ناظر به تضادّ و به تعارض، در تفکّرات غربی رایج و شایع بوده - از نظر اسلام نگاه مردودی است؛ نگاه مقبولى نیست. در اسلام دعوت به ائتلاف است، دعوت به وحدت است، دعوت به همکاری است، دعوت به تراحم است، دعوت به تعاون است؛ این مبنای تفکرّ اسلامی در همه فعالیت‌ها است. البتّه تعامل حدودی دارد، ضوابطی دارد، هر کسی حقوقی دارد؛ باید اینها رعایت بشود که در سایه دولت اسلامی قابل تحقّق است. نگاه تعارض‌آمیز غلط است؛ نگاه تعاون و تعامل از نظر اسلام درست

است؛ و این یک فکری است که در همهٔ شئون ما، در همهٔ مسائل مربوط به زندگی، بایستی وجود داشته باشد. در مقابل آن کسی که به حیثیت روانی و روحی و فکری و وجودی انسان و جامعه ضربه می‌زند، انسان ناچار است دفاع کند؛ اما روال اصلی عبارت است از: تعاون و تعامل و همکاری و ائتلاف؛ این نگاه اساسی اسلام است. ما معتقدیم جامعهٔ کارگری ما باید مورد تکریم قرار بگیرد؛ مورد احترام قرار بگیرد. معتقدیم هر کسی که مشغول کار است و کار خود را انجام می‌دهد و این کار را خوب انجام می‌دهد، این مورد رحمت الهی است؛ فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ»؛ آن کسی که کار را درست انجام می‌دهد، مورد رحمت پروردگار است.^۱

حکم واجب قطعی و شرعی

در ادای امانت مسئولیت

آنچه مهم است، این است که: هر جا هستیم ...
توجّه داشته باشیم که آنچه در اختیار ما است،
امانت است. ادای این امانت هم واجب قطعی و
شرعی است و خدای متعال از ما سؤال خواهد
کرد؛ هم درباره آنچه کردیم، هم درباره آنچه
نکردیم؛ باید به این توجّه داشته باشیم.

دوره مسئولیت هم گذرا است. ... همه حوادث
عالم، همین جور سریع می‌گذرد؛ عمر انسان هم
همین جور است. این تمثیل قرآنی خیلی
تکان‌دهنده است: سبزه‌ای که در اوّل بهار از زمین
می‌روید یا از شاخ خشک درخت می‌شکفتد، سبزه
زیبایی است؛ ... چیز زیادی نمی‌گذرد که پاییز فرا
می‌رسد؛ وقتی پاییز فرا رسید، همان سبزه زیبای
پرطراوت تبدیل می‌شود به برگ خشکی و
خاشاکی: «فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ»؛ (بف ۴۵) همان
چهره زیبا و جذّاب و طراوت‌بخش، تبدیل می‌شود
به خاشاکی که بادهای آن را از این طرف به آن طرف

می‌برند. ما هم همین‌جور هستیم؛ این نمایش عینی عمر ما است: از یک جا شروع می‌شود، کودکی است و جوانی است و ... بعد می‌رسیم به میان‌سالی، آنچه از استعدادهایی که در ما وجود داشته است، به قدر همّت‌مان، به قدر تلاشمان، بُروز پیدا می‌کند؛ بعد سرازیر می‌شویم به سمت کهن‌سالی. و گفت:

دیر بماندم در این سرای کهن من

تا کهنم کرد صحبت دی و بهمن

(کلیات ناصر خسرو، قصیده ۱۸۴)

کهنه می‌شویم، فرسوده می‌شویم: «فَاصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ»؛ می‌شویم مثل همان خاشاک. این عمر است، طبیعت زندگی همین است؛ این را باید فهمید. ... طول این زندگی جلوی چشم ما است: سبزه و طراوت و شادابی و آمادگی، و بعد به تدریج پختگی، و بعد به تدریج فرسودگی؛ این را انسان جلوی چشمش مشاهده می‌کند. با این نگاه باید کار کرد. بعد هم در مقابل محاسبه الهی که: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»، (ق ۱۸) هر

کلمه‌ای که از ما صادر می‌شود، ثبت می‌شود، ضبط می‌شود؛ هر حرکت ما، هر اقدام ما، بلکه هر اندیشه ما و فکر ما. باید با این توجّه کار کنیم؛ شما در کرسی‌های مجلس، هیئت رئیسه محترم ... در جایگاه ریاست و مدیریت، و این حقیر در جای خودم، مسئولین دولتی [هم] همین‌جور؛ با این روش باید نگاه کرد. امانتی است، این امانت را بایستی ادا کنیم: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». (نساء ۵۸) ادای امانت هم به این است که آنچه وظیفه ما است بشناسیم و در حدّ وسع - بیش از آن هم از ما نخواسته‌اند - و توان، برای آن تلاش کنیم و تا جایی که می‌توانیم بدویم.^{۱۲}

جهت‌گیری در مدیریت

اوج هویت و حیثیت ایران

در عزم ملی و مدیریت جهادی

حقیقت کارآمدی، کارآمدی ناشی از دانش و هوش و پشتکار و ابتکار و عزم راسخ ... این نگاه ما به کلّ حرکت کشور است.

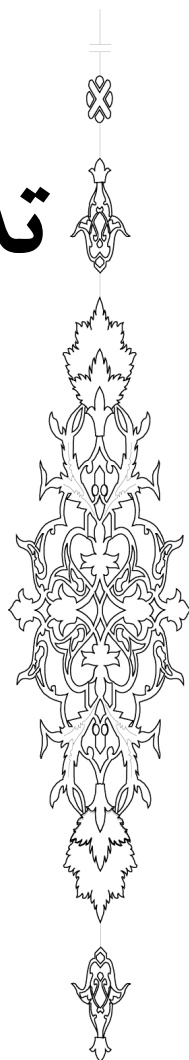
«عزم ملی و مدیریت جهادی» در سال ۹۳ به‌عنوان شعار مطرح می‌شود، اما این چیزی نیست که مربوط به سال ۹۳ باشد؛ این هویت ماست، این حیثیت ماست، این آینده ماست، این ترسیم‌کننده سرنوشت ماست. اگر عزم ملی بود، اگر مدیریت جهادی بود، اقتصاد هم پیشرفت می‌کند، فرهنگ هم پیشرفت می‌کند؛ و ملّتی که اقتصاد پیشرفته داشته باشد و فرهنگ پیشرفته داشته باشد، در اوج قرار می‌گیرد و تحقیر نمی‌شود. ... من مکرّر گفته‌ام: ملّت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قلّه‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند! این یک جایگاه تعریف شده است.

ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد. اگر بخواهیم به این جایگاه تعریف‌شده دست پیدا بکنیم، راه آن این است که از دانش، از هوش، از قدرت تحرّک بالا، از قدرت ابتکار و از عزم راسخ در همهٔ بخش‌ها استفاده کنیم و بهره بگیریم. باید اقتصاد را بالا آورد، و بالا آمدن اقتصاد بدون رشد فرهنگی، نه ممکن است، نه مفید؛ فرهنگ هم بایستی تعالی پیدا کند، ترقّی پیدا کند. بنابراین، شعار امسال، شعار زندگی ما است، شعار همیشگی ما است.^۱

پایه‌های اصلی حرکت و مدیریت جهادی

نیت خالص، ارتباط با خداوند، خشوع در مقابل پروردگار و زاویه پیدا نکردن با اهداف الهی، از پایه‌های اصلی حرکت و مدیریت جهادی [است] ... اگر این روحیه به وجود آمد، خداوند در همه میدان‌ها اعم از مدیریت کشور و مدیریت علمی، سیاسی، اجتماعی و تعاملات جهانی کمک خواهد کرد و راه‌ها را بر روی بندگان خود خواهد گشود. ... تقویت روحیه خودباوری و «ما می‌توانیم»، از ضروریات حرکت جهادی [است].^{۱۹}

تدابیر طرح و برنامه‌ای



- تصمیّمات راهبردی
- اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها

تصمیمات راهبردی

تکثیر نسل، برنامه حیاتی کشور

کثرت جمعیت جوان، یکی از امتیازات کشور است و در صورت استمرار سیاست‌ها و اقدامات نادرستی که منجر به تحدید نسل و کاهش شدید جمعیت جوان کشور در طول سال‌های آینده خواهد شد، دچار ضربه بسیار بزرگی بنام «سالمندی عمومی» خواهیم شد. ... کشور بدون جمعیت جوان، یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و هیجان و شور و شوق! بنابراین، برنامه حیاتی تکثیر نسل باید به‌طور جدی دنبال و پیگیری شود. ... اهمیت فرهنگ‌سازی در اقبال عمومی به استفاده از خدمات مامایی به‌منظور اجرایی شدن سیاست اساسی افزایش جمعیت کشور، ... مسئله تکثیر نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت جوان کشور، یک مسئله حیاتی است و باید به‌طور جدی دنبال شود. ... مسئولان دستگاه‌های دولتی باید در صدد جبران کمبودها و نقائص در این بخش باشند.^۲

وظیفه همگانی دولت

در پشتیبانی از آموزش و پرورش

همه دستگاه‌ها در دولت، وظیفه پشتیبانی آموزش و پرورش را دارند؛ چه دستگاه‌هایی که به برنامه‌بودجه می‌پردازند، و چه دستگاه‌هایی که آنها را در مجلس شورای اسلامی تأیید می‌کنند و تصویب می‌کنند، باید نگاه همه آنها به آموزش و پرورش یک چنین نگاهی باشد. تصور نکنند که اینجا جایی است که فقط هزینه‌بر است - گاهی نگاه، این‌جوری است؛ می‌گویند دستگاه هزینه‌بر - نه! اینجا دستگاهی است که هرچه شما هزینه کنید، به‌طور مضاعف دستاورد خواهید داشت! اینجا جایی است که ثروت‌سازان آینده، علم‌سازان آینده، تمدن‌سازان آینده، مدیران آینده، از اینجا به‌وجود خواهند آمد و خلق خواهند شد. این‌جور نیست که ما خیال کنیم آموزش و پرورش فقط برای ما هزینه دارد؛ نخیر! دستاوردهایی بزرگ‌تر از دستاوردهای آموزش و پرورش وجود ندارد. هرچه شما در سرتاسر کشور از جلوه‌های پیشرفت

و دستاورد و ابتکار می‌بینید، ریشه آن اینجا است؛ اینجا را درست کنید تا همه‌جا درست بشود. بنابراین، پول خرج کردن برای آموزش و پرورش و توسعه منابع مالی آموزش و پرورش، یکی از کارهای اساسی است که امیدواریم مسئولین دولتی به این نکته توجه کنند.^۵

اقتصاد مقاومتی، فرهنگ و علم

شاخص‌های اصلی برنامه ششم

در برنامه ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید. ... برنامه ششم، یعنی سیاست‌های پنج سال کشور تدوین خواهد شد؛ شما نقشه راه عملی برای پنج سال کشور را در این برنامه ششم ان شاء الله تدوین خواهید کرد. سه نقطه اصلی - البته برنامه باید جامع باشد - وجود دارد:

یکی اقتصاد است که تکیه روی اقتصاد مقاومتی در آن برنامه باید تجلی پیدا کند.

یکی مسئلهٔ فرهنگ است؛ ... مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی، یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزش‌های اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنت‌های اسلامی! فرهنگ این است. ...

و سوّم علم؛ ... مسئلهٔ علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناختهٔ دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان شاء الله باید در برنامه مورد توجه قرار بگیرد.^{۱۲}

لزوم هوشیاری مسئولین

در اجرای سیاست‌های کلی جمعیت

مسئله جمعیت ... که حالا سیاست‌های جمعیت ابلاغ شد؛ خوشبختانه مسئولین هم تجاوب کردند (جواب دادند) به این سیاست‌های جمعیت. شنیدم در مجلس هم طرحی در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت وجود دارد؛ این بسیار مهم است. هیچ منافاتی ندارد که ما مراعات بهداشت و سلامت مادران و فرزندان و نوزادان را بکنیم - که خیلی مهم است - در عین حال مراقب باشیم اشتباهی را که قبلاً کردیم، ادامه ندهیم، دنبال نکنیم! مسئله کاهش جمعیت مسئله بسیار مهمی است. برای آن دشمنانی که در اوائل صحبت اشاره کردم، بهترین چیز این است که: ایران یک کشوری باشد با بیست سی میلیون جمعیت که نصف این جمعیت هم کهن‌سال و میان‌سال و ازکارافتاده باشند؛ این برایشان بهترین چیز است؛ [اگر] برای این، برنامه‌ریزی بتوانند بکنند، حتماً می‌کنند! پول بتوانند خرج کنند، حتماً خرج می‌کنند! ما باید

حرکتمان در مقابل این حرکت، حرکت صحیح و
منطقی و خردمندانه و عالمانه باشد که خب
خوشبختانه شنیدم در مجلس دوستان دنبال این
قضیه هستید و امیدواریم که خداوند به شما
کمک کند.^{۱۲}

اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها

نقشه راه تحقق سند تحوّل

اگر بخواهیم این سند تحوّل [آموزش و پرورش] تحقق پیدا کند، ... نقشه راه لازم است. یک برنامه لازم است. اگر تفکرات ما، کلیاتی که مورد نظر مسئولان و دلسوزان است، به شکل یک برنامه عملیاتی در نیاید، در عالم ذهنیات خواهد ماند و خواهد پوسید؛ برنامه عملیاتی لازم دارد. این برنامه عملیاتی را با نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی - که خب! یک مرکز عظیم فرهنگی و مرجع تصمیم‌گیری است و مسئولین در آنجا حضور دارند - تهیه کنید، تدوین کنید و قدم به قدم اجرا کنید؛ احساس کنید که این قدم برداشته شد، برویم سراغ قدم بعدی. بعضی کارها، هم‌زمان و در عرض یکدیگر باید انجام بگیرد.^۵

تدابیر سیاسی و اجتماعی

• دشمن شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

• افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

• اقتدار ملی

• حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

• حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

• اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی رهبر

• آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف

دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

دلیل دشمنی‌های جبهه استکبار

اسلام و قرآن، ملت‌های مسلمان را به ایستادن بر روی پای خود و تکیه بر هویت اسلامی - انسانی و حسن‌ظن به خداوند متعال و تسلیم نشدن در مقابل ظلم و غارتگری زورگویان بین‌المللی دعوت می‌کند. بنابراین، تا وقتی که ملت ایران بر اسلام و قرآن و هدف‌های والای خود پای می‌فشارد، دشمنی‌های جبهه استکبار ادامه خواهد داشت. ... جبهه استکبار تلاش دارد تا ملت ایران را به زانو درآورد و وادار به عقب‌نشینی کند. اما قطعا به این هدف نخواهند رسید.^۶

جایگاه ما و تعبیر دروغین جامعه جهانی

بنده موافق نیستم که تعبیر دروغین «جامعه جهانی» را در مقابل جمهوری اسلامی - که دشمنان ما به کار می‌برند - به کار ببریم. کدام جامعه جهانی؟! کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند، جامعه جهانی نیستند. چند دولت مستکبران که آنها هم عمدتاً زیر نفوذ یک مشت کمپانی‌داران صهیونیست غارتگر بدنام بددل‌اند. این، جامعه جهانی نیست! آنها خودشان را جامعه جهانی می‌نامند. جامعه جهانی، ملت‌ها هستند. جامعه جهانی، دولت‌های مظلومی هستند که جرأت و دلیری اظهار مخالفت را ندارند و اگر فضا پیدا کنند، آنها هم مخالفت خواهند کرد. جامعه جهانی، دانشمندان و اندیشمندان و متفکران و عالمان و خیرخواهان و آزادی‌خواهانی هستند که در همه دنیا متفرق‌اند و حقیقت را می‌فهمند و آن را ستایش می‌کنند.^{۱۱}

خصومت و عصبانیت آمریکا

از پیشرفت و عزت ایران

دشمنی دشمنان ما به خاطر این است که: نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است؛ بقیه چیزها بهانه است. امروز بهانه، مسئله هسته‌ای است؛ یک روز بهانه، حقوق بشر است؛ یک روز بهانه، یک چیز دیگر است. آنها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن‌کلفت‌ها و باج‌بگیرها و زورگویان عالم منصرف کنند؛ البته این اتفاق نخواهد افتاد. ملت ایران توانایی خود را در میدان‌های مختلف اثبات کرده است: ملت ایران اثبات کرده که بدون تکیه به آمریکا، هم می‌شود پیشرفت علمی پیدا کرد، هم می‌شود پیشرفت اجتماعی پیدا کرد، هم می‌شود نفوذ بین‌المللی پیدا کرد، هم می‌شود عزت سیاسی در دنیای بشریت پیدا کرد. این را جمهوری اسلامی اثبات کرده و آنها از این ناراحت‌اند؛ [اینکه] یک ملت و یک کشور و یک نظام با استغنائی از زورگویان و باج‌بگیران و سرگردنه‌بگیران بین‌المللی، با بی‌اعتنایی به آنها، حتی با مخالفت و دشمنی آنها بتواند خود را از مشکلات بیرون بکشد، عرض اندام بکند و

حضور خود و نفوذ خود را علی‌رغم آنها و به‌کوری چشم آنها، بر آنها تحمیل بکند است که آنها را عصبانی کرده است. عصبانی شده‌اند؛ عصبانی بشوند و به‌تعبیر شهید عزیزمان مرحوم شهید بهشتی: از عصبانیت بمیرند! ملت ایران راه درست را انتخاب کرده است، راه درست را شناخته است. ما دانسته‌ایم که بدون اتکا به قدرت‌های زورگو و باج‌گیر می‌توانیم پیش برویم، می‌توانیم قوی بشویم، می‌توانیم میدان‌های ناشناخته و ناگشوده اندیشه بشری و فکر بشری و دانش بشری را بگشاییم، می‌توانیم دل ملت‌های دنیا را به خودمان جذب کنیم؛ این را ما شناخته‌ایم، عمل کرده‌ایم و پیش خواهیم رفت؛ و دشمن نمی‌تواند. اکثریت دنیا هم با نظام جمهوری اسلامی همراه‌اند. حتی ملت‌های کشورهای که خودشان مستکبرانند - آنهایی که حقایق را می‌دانند - ملت ایران را قبول دارند، جمهوری اسلامی را ستایش می‌کنند، با چشم تکریم نگاه می‌کنند. امپراتوری خبری استکبار می‌خواهد نگذارد آوازه ملت ایران به گوش‌ها برسد؛ اما علی‌رغم آن، امروز بحمدالله چشم و دل و زبان بخش مهمی از دنیا، پر است از نشانه‌های اعتقاد مردم و اعتماد مردم به ملت ایران و ستایش ملت ایران.^{۱۱}

افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

چالش بیرونی نظام

چالش بیرونی ما، مزاحمت‌های استکبار جهانی است؛ بی‌رودربایستی حرف بزنیم! مزاحمت‌های آمریکا است؛ سنگ‌اندازی می‌کنند. درست است که شاید در تحلیل‌های بعضی از متفکران سیاسی خودشان هم این هست که می‌گویند: فایده‌ای ندارد، نمی‌شود با این حرکت عظیم مقابله کرد؛ لکن سنگ‌اندازی می‌کنند. نقشه کار آنها را باید دانست؛ این نقشه لو رفته آمریکا است؛ این نقشه کلان آمریکا است که امروز در خلال بحث‌ها و گزارش‌ها و اظهارنظرها و رفتارهای آنها لو رفته است.^{۱۷}

کشورهای دنیا از نظر آمریکا

آمریکا کشورهای دنیا، جریان‌های دنیا، آدم‌های دنیا را به سه قسم تقسیم می‌کند: یک قسم گوش‌به‌فرمان‌ها، کشورهای گوش‌به‌فرمان، جریان‌های سیاسی و اجتماعی گوش‌به‌فرمان یا آدم‌های گوش‌به‌فرمان، یک عده اینها هستند؛ یک عده کشورهایی که گوش‌به‌فرمان نیستند، اما باید با آنها مدارا کرد، بعضی از کشورها، بعضی از شخصیت‌ها، بعضی از جریان‌ها به نظر آمریکا این‌جوری هستند که باید با آنها مدارا کرد، منافع مشترکی [با آنها] تعریف کرد، یک‌جوری با آنها فعلاً کنار آمد، ... قسم سوم کشورهای نافرمان، آنهایی که زیر بار آمریکا نمی‌روند، باج به آمریکا نمی‌دهند، یک دسته هم اینها هستند. به نظر آمریکایی‌ها همه کشورهای دنیا، همه جریان‌های سیاسی و اجتماعی و مدنی و اقتصادی عالم و همه آدم‌ها و شخصیت‌های برجسته و ممتاز و نشان‌دار عالم از این سه قسم خارج نیستند: یا سرسپرده‌اند و گوش‌به‌فرمان‌اند، یا مستقلاً هستند که باید

با آنها مدارا کرد، و یا اینکه نافرمان‌اند و دلیری نشان می‌دهند و گستاخی نشان می‌دهند که جوری دیگر باید با آنها رفتار کرد.

سیاست آمریکایی‌ها با آن دسته اول حمایت کامل است؛ البته حمایت مفت و مجانی نیست، حمایت می‌کنند و آنها را می‌دوشند؛ در واقع از توانایی‌های آنها و از امکانات آنها به نفع منافع خودشان، برای تأمین منافع خودشان استفاده می‌کنند؛ از آنها سواری می‌گیرند، از آنها همه‌جور خدمت را می‌گیرند. ... آمریکایی‌ها وقتی می‌خواهند اینها را توصیف بکنند، نمی‌گویند: کشورهای دیکتاتور! می‌گویند: اینها کشورهای پدرسالاراند! دیکتاتوری آنها را پنهان می‌کنند. می‌گویند: اینها دیکتاتور نیستند، پدرسالاراند! پدرسالار در نظام سیاسی یعنی چه؟ معنای آن چیست؟ کشوری که در آن نه مجلسی وجود دارد، نه انتخاباتی وجود دارد، نه قدرت حرف‌زدنی وجود دارد، نه قلم آزادی وجود دارد، نه بیان آزادی وجود دارد و اندک تخلفی از خواسته‌های

حاکم، با شدت و حدت و خشونت سرکوب می‌شود؛ این کشور، کشور پدرسالار است؟!

صدام حسین در یک بخشی از زندگی، جزو این سرسپرده‌ها و گوش به فرمان‌ها بود. ...

دسته دوم، گفتیم کشورهایی هستند که سیاست آمریکا و نقشه آمریکا مدارای با آنها است. مدارا یعنی چه؟ یعنی فعلاً منافع مشترکی با آنها تعریف می‌کند، آنها را در کنار خود قرار می‌دهد. اما آن وقتی که فرصتی پیدا کرد، خنجر را از پشت به قلب آنها می‌کوبد و قلب آنها را می‌درد؛ ملاحظه آنها را هم نمی‌کند. مثل چه کشورهایی؟ مثل کشورهای اروپایی؛ امروز وضع کشورهای اروپایی این‌جوری است. آمریکا با اینها مدارا می‌کند، نه به معنای اینکه منافع آنها را رعایت می‌کند؛ نه! آنجایی که بتواند، لگد هم می‌زند. ... فهم بنده از مسائل سیاست این است که اروپایی‌ها در یک خطای بزرگ راهبردی قرار دارند که خودشان را در خدمت آمریکا قرار داده‌اند. منافع آمریکا را رعایت می‌کنند، آمریکا منافع آنها را رعایت نمی‌کند و نخواهد کرد؛ تا آخر هم همین‌جور است. این هم دسته دوم.

دستهٔ سوم کشورهایی هستند که زیر بار آمریکا نمی‌روند؛ سیاست آمریکا، دربارهٔ اینها این است که از هر وسیلهٔ ممکن باید علیه این کشورهای نافرمان استفاده کرد؛ از هر وسیلهٔ ممکن؛ هیچ حدومرزی نمی‌شناسند. اگر شما دیدید کشوری در مقابل آمریکا نافرمان است و آمریکا مثلاً حملهٔ نظامی نمی‌کند یا تحریم نمی‌کند، بدانید یک اشکالی آنجا وجود دارد؛ یعنی مانعی بر سر راه وجود دارد؛ به زبان ساده، نمی‌تواند انجام بدهد که انجام نمی‌دهد؛ اگر بتواند، انجام می‌دهد. تنها جرم این کشور نافرمان هم این است که در مقابل آمریکا حاضر به تسلیم نیست، حاضر نیست باج بدهد، حاضر نیست منافع او را بر منافع خودش مقدم بدارد؛ این می‌شود کشور نافرمان.

آمریکایی‌ها برای اینکه این کشور را به زانو دریاورند، از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند؛ هر کاری برایشان ممکن باشد انجام می‌دهند؛ اگر کاری انجام ندهند، به‌خاطر نتوانستن است.^{۱۷}

خنثی‌سازی اهداف آمریکا

کارهایی که آمریکایی‌ها انجام می‌دهند، چیست؟ امروز حمله نظامی از نظر آمریکایی‌ها یک اولویت نیست. ... یکی از راه‌ها این است که پیشبرد هدف‌های خودشان را در آن کشور مورد نظر - که آماج دشمنی آنها است - به عناصر داخلی همان کشور بسپارند. ... یا به وسیله کودتا؛ کسانی را تقویت کنند که در کشور، کودتا راه بیندازند و آن نظامی را و دستگاه دولتی و سیاسی‌ای را که در مقابل آنها تسلیم نمی‌شود، با کودتا از سر راه بردارند؛ یکی از راه‌ها این است. یکی از راه‌ها کشاندن بخشی از مردم به خیابان‌ها است که این انقلاب‌های رنگی که در جای‌جای این منطقه در این چند سال اخیر به وجود آمد، از این قبیل است. یک دولتی می‌آید سر کار؛ بالاخره هر دولتی که سر کار می‌آید ممکن است اگر با شصت درصد آراء مردم هم آمده باشد، چهل درصد به او رأی نداده باشند؛ آمریکایی‌ها می‌روند سراغ آن چهل درصد، عناصر و لیدرهایی را در

بین آنها انتخاب می‌کنند، با تطمیع، با پول، با تهدید، آنها را وادار می‌کند که آن چهل درصد یا بخشی از آن چهل درصد را به خیابان‌ها بکشانند. همین انقلاب‌های رنگی، این انقلاب نارنجی، انقلاب کجا در کشورهای مختلف که در این چند سال دیده شد، دست آمریکایی‌ها پشت این کار بود. ... یکی از کارهایشان این است که با کشاندن گروهی از مردم به خیابان‌ها و نافرمانی مدنی، آن دولتی را که مورد قبول آنها نیست و حاضر نیست به آنها باج بدهد، از کار بیندازند. یکی از کارها فعال کردن گروه‌های ترور و راه انداختن گروه‌های تروریست است؛ این را در عراق ... در افغانستان ... در برخی از کشورهای عربی منطقه ... در کشور خود ما هم انجام دادند؛ گروه‌های تروریست را راه بیندازند، ... یکی از راه‌ها هم این است. یکی از راه‌ها ایجاد اختلاف در رأس حاکمیت‌ها است؛ یکی از کارهایی که اینها می‌کنند این است: آن دستگاهی، آن نظامی که با آنها همراه نیست، سعی می‌کنند در رأس آن اختلاف و شکاف به‌وجود

بیاورند، حاکمیت دوگانه درست کنند؛ خیلی جاها موفق نمی‌شوند، بعضی جاها هم متأسفانه موفق می‌شوند؛ یکی از راه‌ها این است. یکی از راه‌ها این است که با تبلیغات خود دل‌های مردم را، افکار مردم را از مبانی اعتقادی و ایمانی‌شان منصرف بکنند؛ و راه‌های گوناگونی از این قبیل. و رژیم ایالات متحده آمریکا در مورد ایران عزیز ما، و ایران اسلامی ما، همه این کارها را انجام داده است و به فضل الهی در همه این کارها هم شکست خورده است. کودتای نظامی، حمایت از فتنه‌گران، کشاندن مردم به خیابان‌ها، مقابله با انتخابات، ایجاد شکاف، از این کارها یا انجام دادند یا تلاش کردند که انجام بدهند، و بحمدالله در همه اینها ناموفق ماندند. چرا؟ چون ملت بیدار بود، چون ملت مؤمن بود.^{۱۷}

چالش درونی و بزرگترین خطر!

برادران و خواهران عزیز! چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه: روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم و فراموش کنیم و آن را از دست بدهیم؛ این، بزرگترین خطر است.

در شناخت دشمنان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستان اشتباه کنیم؛ جبهه دشمن و دوست را با هم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه بکنیم، این هم خطر است. برادران عزیز، خواهران عزیز، عموم ملت ایران توجه داشته باشند که گاهی یکی با شما دشمنی می‌کند، اما اگر دقت کنید دشمنی او دشمنی اصلی نیست، تابعی است از یک عامل دیگر، از یک کس دیگر؛ دشمن اصلی را پیدا کنید! والا [اگر] انسان با دشمن فرعی سینه‌به‌سینه بشود، هم قوای او تحلیل می‌رود، هم نتیجه کار، نتیجه مطلوبی نخواهد شد.

امروز یک عده‌ای در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سلفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش می‌کنند، کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند؛ اما اینها دشمن‌های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند. اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه‌دار می‌کند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل، و ملت مظلوم ایران می‌افشاند؛ اینها آن دست پنهانِ سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است. لذا ما مکرر گفته‌ایم: این گروه‌های بی‌عقلی را که به نام سلفی‌گری، به نام تکفیر، به نام اسلام، با نظام جمهوری اسلامی مقابله می‌کنند، دشمن اصلی نمی‌دانیم؛ ما شما را فریب‌خورده می‌دانیم؛ به اینها گفته‌ایم: «لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَىٰ يَدِكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا

بِباسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لَأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ
 الْعَالَمِينَ»؛ (مائده ۲۸) تو اگر خطا می‌کنی، اشتباه
 می‌کنی، کمر به قتل برادر مسلمان خودت
 می‌بندی، ما تو [آدم] نادان و جاهل را کسی
 نمی‌دانیم که بایستی کمر به قتل او ببندیم؛ البته از
 خودمان دفاع می‌کنیم. هر کسی به ما حمله بکند،
 با مشت محکم ما مواجه خواهد شد. این طبیعی
 است. اما معتقدیم اینها دشمنان اصلی نیستند،
 فریب‌خورده هستند. دشمن اصلی، آن دشمن
 پشت پرده است، آن دست نه‌چندان پنهانی است
 که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید
 و گریبان مسلمانان را می‌گیرد و آنها را به جان
 هم می‌اندازد.

چالش‌های درونی ما اینها است: سرگرم شدن
 به اختلافات در داخل کشور؛ اختلافات فرعی
 و اختلافات سطحی، ما را سرگرم بکند، در مقابل
 هم قرار بدهد، تعارض به‌وجود بیاورد، ما را
 از مسائل اصلی و از خطوط اصلی غافل بکند؛ این
 یکی از مصادیق آن چالش اصلی است که عرض

شد. از دست دادن انسجام ملت از چالش‌های ما است. دچار شدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی، تصور اینکه ما نمی‌توانیم، تصور اینکه تا حالا نتوانستیم؛ نخیر! همان‌طور که امام فرمودند: ما می‌توانیم، (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۲۷) باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند همه این گره‌ها را باز کند. اینها همه، آن چالش‌های درونی ما است که باید با اینها مقابله کنیم. همان‌طور که عرض کردیم، جوان‌های عزیز ما، نخبگان ما، فضایی ما باید بنشینند این مسائل را بررسی کنند؛ اینها سرفصل‌هایی است. نام مبارک امام بزرگوارمان و یاد آن بزرگ‌مرد و نقشه آن معمار بزرگ می‌تواند ما را در همه این فصول یاری کند و به ما امید ببخشد و نشاط بدهد و روحیه بدهد؛ همچنان که تا امروز چنین بوده است و به توفیق الهی در آینده [هم] چنین خواهد بود.^{۱۷}

اقتدار ملّی

«ما می‌توانیم»

پیام اقتدار و توانایی درونی

مهم‌ترین درس این نمایشگاه، اثبات استعداد و توانایی ملت ایران برای ورود به میدان‌های دشوار و میدان‌هایی است که دشمن قصد ممنوع‌الورود کردن آنها را دارد. ... این نمایشگاه به همه ما مسئولان پیام اقتدار و توانایی درونی را می‌دهد و اعلام می‌کند که «ما می‌توانیم». ... متأسفانه در برخی از بخش‌ها، مدیران ما، این پیام را درک نمی‌کنند. ... در طول سال‌های گذشته، در هر بخشی که بر آن متمرکز شدیم و عزم صاحبان عزم را متوجه آن کردیم، به نتیجه رسیدیم.^۶

حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

باید بدانیم که «می‌توانیم»

«باید بدانیم که می‌توانیم». ... مشکل ملت ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این بود که نمی‌دانست، می‌تواند، همانطور که امروز هم هنوز برخی نمی‌دانند که می‌توانیم! ... ما در زمینه‌های اقتصادی نیز می‌توانیم با تکیه بر توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود بسیاری از گره‌ها را باز کنیم و در قبل هم این موضوع تجربه شده است.^۶

توانمندی انقلاب اسلامی

در ایجاد تمدن نوین اسلامی

یقیناً مسئلهٔ رویش‌های نوبه‌نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویش‌های نوین و پی‌درپی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا است. جمهوری اسلامی در طول این ۳۵ سال توانسته است در هر برهه‌ای از خود جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز، بروز بدهد. افرادی نگران ریزش‌ها بودند. گفته شد: رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه خواهند کرد؛ و همین شد. آنچه مهم است این است که: نگاه نسل نو و همهٔ کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمان‌های بلند می‌خواهند، باید به آینده‌های روشن و دور باشد - فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آیندهٔ دور، ایجاد تمدن اسلامی است. تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند

این نسل‌ها را به آفاق جدیدی برساند. دل‌های آنها را شاد کند و آنها را آن‌چنان‌که متناسب و شایسته کرامت انسان است، کرامت ببخشد. تمدن نوین اسلامی یعنی این! و شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدن‌اید. آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده کشور و آینده این تمدن و در واقع آینده جهان، شما جوان‌های امروزاید. بخشی از مجموعه روبه‌رشد رویش‌ها در نظام جمهوری اسلامی در این بخش یعنی در دانشگاه امام حسین تحقق پیدا می‌کند. در هر جا هستید؛ چه آنهایی که در این دانشگاه‌اند، و چه همه جوان‌ها در هر نقطه‌ای از کشور که احساس تعهد می‌کنند، می‌توانند نقش‌آفرین باشند. این دانشگاه جای مهمی است؛ مرکز دانش است، مرکز تحقیق است، مرکز آموزش‌های انقلابی است، مرکز آماده‌سازی‌های فکری و روحی است. شما جوان‌ها قدر بدانید؛ مدیران و مسئولان همه تلاش خودشان را به کار ببرند، برای اینکه از این فرصت حداکثر استفاده را بکنند. کما اینکه بحمدالله می‌کنند.^{۱۱}

آشفته‌گی استکبار جهانی

از ایستادگی مردم شجاع ایران اسلامی

امروز نظام اسلامی درگیر چالش‌هایی است. وجود چالش به معنای حرکت به سمت جلو و ابتکارهای روزافزون و نوبه‌نو است. وجود چالش، انسان‌های آگاه و بصیر و شجاع را نگران نمی‌کند. وجود چالش، انسان‌های متعهد را به نگاه به ظرفیت‌های موجود و احیاناً معطل‌مانده وادار می‌کند. این چالش‌ها بر اثر این است که در نظام جمهوری اسلامی، توان پیشرفت، توان استحکام، توان اقتدار روزافزون بسیار است. دشمنان ما این را می‌بینند. من به شما جوان‌های عزیز این نکته را بگویم: دنیا در یکی دو قرن اخیر، با بُروز پدیدهٔ ننگین و شوم استعمار و استکبار بین‌المللی، دچار آفت‌های بزرگی شد؛ مهم‌ترین این آفت‌ها نظام سلطه است. نظام سلطه به معنای آن است که در روی زمین، ملت‌ها به دو گروه تقسیم بشوند: یک گروه سلطه‌گر، و یک گروه سلطه‌پذیر. دولت‌های استکباری عادت کرده‌اند که سلطه‌گری کنند، زور

بگویند، در اقتصاد ملت‌ها، در فرهنگ ملت‌ها، در سیاست‌ورزی ملت‌ها، در تربیت ملت‌ها، در سبک زندگی ملت‌ها، از سر استکبار و سلطه‌طلبی دخالت کنند؛ همه‌چیز دنیا در اختیار آنها باشد. دولت‌های غربی و در برهه چند ده سال اخیر در رأس آنها دولت آمریکا، به این پدیده نفرت‌انگیز عادت کرده‌اند. به اینکه زور بگویند، به اینکه اقتصاد دنیا در دست آنها، فرهنگ ملت‌ها در اختیار آنها، و خلاصه اختیار کشورهای دیگر در دست آنها باشد؛ به این عادت کرده‌اند. وقتی یک ملت و یک کشور، در مقابل این عادت زشت می‌ایستد، آنها برآشفته می‌شوند. انقلاب اسلامی موجب شد یک کشور بزرگ، یک کشور واقع در منطقه حساس جغرافیا، یک کشور دارای منابع و معادن سرشار یعنی ایران عزیز، با ملتی مقاوم و شجاع و پراستعداد، در مقابل این روند زشت و نفرت‌انگیز بایستد؛ آنچه آنها را خشمگین می‌کند، این است. آنچه استکبار جهانی را آشفته کرده است، این است که: یک ملت در یک کشور مهم، با یک

سابقه تاریخی بسیار غنی، با دارا بودن خصوصیات منحصربه‌فرد، در مقابل این عادت زشت سلطه‌گری و سلطه‌پذیری ایستاده است؛ این است که آمریکا را عصبانی می‌کند؛ این است که جبهه متحدی از مستکبران را در مقابل جمهوری اسلامی قرار می‌دهد؛ و باز اتفاقاً همین است که دل ملت‌های دنیا را به سوی ملت ایران جذب می‌کند؛ و همین است که اتفاقاً بسیاری از دولت‌هایی هم که خودشان جرأت نمی‌کنند در مقابل نظام سلطه بایستند، از اینکه نظام جمهوری اسلامی ایستاده است، لذت می‌برند؛ اگرچه این گستاخی و دلیری را ندارند که آن را اظهار کنند؛ این را ما در مبادلات بین‌المللی به وضوح می‌بینیم.^{۱۱}



مبارزه مستمر با دشمنان

ضامن بقای انقلاب

نظام اسلامی با مبارزه به وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقق پذیر نبود؛ همه آرزوهای بزرگ در دنیا همین جور است. حفظ نظام و پایداری نظام هم با مبارزه به وجود آمد. اگر مبارزه مردم نبود، اگر مبارزه امام نبود، اگر مبارزه مسئولان در میدان‌های مختلف نبود، این نظام باقی نمی ماند و از بین می رفت. ... آنچه نگذاشت این اتفاق بیفتد، مبارزه بود؛ مبارزه صمیمی و جدی و خردمندانه؛ این را ما فراموش نکنیم! دشمنان ما نمی خواهند این را اعتراف بکنند که ملت ایران در راه پیشرفت خود، خردمندانه عمل کرد، اما واقعیت قضیه این است که اگر خردمندانه نبود، نمی شد، نمی ماند، پیش نمی رفت، به نتیجه نمی رسید؛ [پس] خردمندانه بود. حرکت ملت ایران، حرکت صمیمی بود، صادقانه بود: «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونا الْكِتَابَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶) این را امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام فرمود.

صدق ملت ایران در میدان‌های مختلف نشان داده شد. ... آنچه قابل تعمیم است، این است: صدق، حرکت، مبارزه. پس نظام با مبارزه به وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند. من عرض می‌کنم کار من و شما ادامه آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمی‌توانید به آن هدف‌ها دست پیدا کنید؛ علت هم معلوم است؛ علت این نیست که نظام جمهوری اسلامی یک نظام جنگ‌طلب است. نه! به هیچ وجه قضیه این نیست. شما وقتی از یک منطقه‌ای در دریا که در آنجا دزدان دریایی مستقراند، می‌خواهید با کشتی عبور کنید، باید مجهز باشید؛ طبیعت کار این است. باید بتوانید از خودتان دفاع کنید، انگیزه دفاع داشته باشید؛ اگر انگیزه دفاع نداشته باشید، سرنوشت شما معلوم است: لخت می‌شوید، آواره می‌شوید، کشتی از دستتان می‌رود، جان شما هم یا نابود خواهد شد یا با ذلت و اسارت باقی خواهد ماند؛ مسئله در دنیا این است. حالا فرق دزدان دریایی امروز دنیا - که دزدان دریا و زمین و هوا و همه جا هستند - با

دزدان دریایی شناخته شده تاریخ و داستان‌ها و افسانه‌ها و وقایع خارجی، این است که: اینها مجهز به علم‌اند. امروز دزدان غارتگر بشر - هم غارت پول، هم غارت منابع، هم غارت حیثیت و عزت، هم غارت اخلاق - مجهزاند به دانش؛ این اینها را آبرومند کرده. دانش، هم چهره اینها را از آن حالت وحشت‌انگیز در چشم‌ها خارج کرده، هم ثرویشان را زیاد کرده؛ فقط فرقیان این است. عاقلانه عمل کردند، خودشان را به علم رساندند. اما به اخلاق نه! لذا به راحتی جنایت می‌کنند. به راحتی به آرمان‌های بشری خیانت می‌کنند، به راحتی جنگ‌افروزی می‌کنند، به راحتی سلاح شیمیایی به کار می‌برند، سلاح شیمیایی را به بکاربرنده آن به راحتی تسلیم می‌کنند، باکی هم ندارند؛ در مقام حرف و استدلال هم این را با زوررق - به نام‌های مختلفی - می‌پوشانند، نمی‌گذارند کسی بفهمد؛ یعنی جنایت اینها از جنایت دزدان دریایی سستی و موجود در افسانه‌ها و فیلم‌ها بالاتر است؛ برای خاطر اینکه گناه بزرگ را انجام می‌دهند و این را

کار صواب وانمود می‌کنند. ما با یک‌چنین دنیایی طرف‌ایم، با یک‌چنین جبهه‌ای طرف‌ایم. چاره‌ای نداریم جز اینکه از خودمان دفاع کنیم. مبارزه این است! اینهایی که برای تئوریزه کردن سازش و تسلیم و اطاعت در مقابل زورگویان، نظام را متهم می‌کنند به جنگ‌طلبی یا به تئوریزه کردن جنگ، دارند خیانت می‌کنند، دروغ می‌گویند. نه! نظام، نظام انسانی است، نظام شرف است، نظام احترام به کرامت بشر است، نظام سلامت است: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ». (نساء ۱۲۸) در همهٔ این صحنه‌ها، چه عرصهٔ ادارهٔ کشور، چه عرصهٔ فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصهٔ سیاست‌گذاری، چه عرصهٔ تقنین، چه عرصهٔ مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم؛ در ادامهٔ مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد، داریم حرکت می‌کنیم؛ این را باید بدانیم! این بایستی مثل یک تفکر گسترده‌ای بر تمام فعالیت‌های ما حاکم باشد، هر کاری می‌کنیم، این بایست در ضمن آن ملحوظ

باشد. قوای شیاطین عالم برآنند که هر جایی، هر پایگاهی از پایگاه‌های بشری و تمدن بشری وجود دارد که در خدمت آنها نیست، منهدم کنند. بنایشان بر این است. می‌بینید دیگر؛ باید در خدمت آنها بود، باید حرف زور آنها و نعره‌خشن آنها را شنید و تسلیم آن شد والا معارضه می‌کنند، مبارزه می‌کنند، دعوا می‌کنند. باید در مقابل آنها خود را قوی کرد و ایستاد. این، اساس کار است. شما در تقنین، دستگاه‌های دولتی در اجرا، مسئولین گوناگون بخش‌های مختلف در حوزه‌های مسئولیت خودشان، باید به این توجه داشته باشند. ... کار اساسی مجلس ادامه مبارزاتی است که به پیروزی انقلاب منتهی شد و مبارزاتی که به بقای این انقلاب منتهی شد.^{۱۲}

رسیدن به اوج قله‌ها به اذن‌الله

و وظیفه ما

امام در آن کاری که می‌خواست انجام بدهد، [بنای یک نظم مدنی - سیاسی براساس عقلانیت اسلامی] به توفیق کامل دست پیدا کرد، [اما] آیا این کار بزرگ ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا بخش‌های خالی این جدول - که به‌طور طبیعی بخش‌های خالی‌ای در این جدول‌های اجتماعی و تاریخی قرار دارند - پُر خواهد شد؟ این بستگی دارد به اینکه من و شما چقدر همت کنیم؛ ما چقدر آگاهی نشان بدهیم؛ ما چقدر آن خط روشن را مراعات کنیم و در آن خط روشن حرکت بکنیم. بله! کاملاً ممکن است. با این ملتی که ما داریم مشاهده می‌کنیم، با این تجربه‌ای و این حرکت موفق و سیر مستمری که در این ۳۵ سال - و بعد از رحلت امام در این ۲۵ سال - این ملت نشان داده است، بله! ادامه این راه ممکن است. خانه‌های خالی پُر خواهد شد، کارهای بزرگ انجام خواهد گرفت و این ملت به اذن‌الله و به حول و قوه الهی به اوج قله‌ها خواهد رسید.

اما این راه، مثل همه راه‌های مهم که به سمت هدف‌های بزرگ کشیده شده است، چالش‌هایی هم دارد، موانعی هم دارد؛ این موانع را باید بشناسیم تا بتوانیم از آنها عبور کنیم. اگر مانع را نشناختیم، عبور از مانع یا دشوار خواهد شد، یا حتی غیر ممکن خواهد شد. بنده امروز دارم اینها را به شما حضار محترم این مجلس عظیم و باشکوه و در واقع به ملت ایران که این سخنان را خواهند شنید، عرض می‌کنم. اما باید جوانان ما، فرزندان ما، زبندگان فکری ما، روی هر کدام از این سرفصل‌ها و بخش‌ها بنشینند فکر کنند، کار کنند، مطالعه کنند؛ نه فقط بحث‌های ذهنی شبه‌روشنفکری، [بلکه] بحث‌های کاربردی، بحث‌های عملیاتی، بحث‌های ناظر به واقعیت! اینهایی که ما عرض می‌کنیم سرفصل‌هایی است برای کارهای فکری که ان شاء الله به وسیله جوانان ما - که از ما خیلی بهترند، خیلی آماده‌ترند - دنبال خواهد شد.^{۱۷}

حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

مبارزه تمام‌نشدنی با استکبار جهانی

مبارزه [با استکبار] تا کی طول خواهد کشید؟ مبارزه و جهاد به یک معنا تمام‌نشدنی است - چون شیطان همیشه در دنیا هست - به یک معنا با موقعیت‌های مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا می‌کند. اگر کشورها و ملت‌هایی، بتوانند همّت کنند و جامعه بشری را و جامعه جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده مشکل بشریت این است. امروز دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، مثل بختک افتاده‌اند روی جسم بشریت و روی فکر بشریت - مثل جان بشریت - او را احاطه کرده‌اند، او را می‌فشرند، او را آشفته می‌کنند، زندگی‌اش را پریشان می‌کنند؛ [اگر] بشریت بتواند خودشان را از زیر این سایه سنگین، از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن وقت نفس راحتی خواهد کشید. البته کار آسانی نیست، کار دشواری است، مبارزات طولانی و بلندمدت

می‌خواهد. ملت ایران، گام‌های بلندی را در این راه برداشته است. خودِ نفسِ تشکیل نظام اسلامی، بلندترین گام بود؛ تشکیل پیاپی مجلس قانون‌گذاری که مظهر مردم‌سالاری اسلامی است، بزرگ‌ترین کار است؛ خودِ نفسِ نشستن شما در این جایگاه، نفسِ حضور شما به‌عنوان نمایندهٔ مردم و مظهر مردم‌سالاری دینی، یک مبارزه است؛ این را باید قدر دانست و پیش برد.^{۱۲}

برکات تفاهم با مردم

مردم ما هر جایی که احساس کنند روا است و نیک است، در خرج کردن ابایی ندارند؛ [این] خیلی نکتهٔ مهمی است. بعضی‌ها گلایه می‌کنند که چرا مثلاً در فلان قضیه مردم نیامدند کمک کنند. خب! باید برای مردم روشن کرد که این تکلیف است، این درست است؛ آن وقت مردم خودشان می‌آیند. ... بنابراین، ... ما اگر چنانچه توانستیم با مردم تفاهم کنیم و خوبی یک کار را و درستی یک راه را نشان بدهیم، اینها حاضراند هزینه‌های سنگین آن را بپردازند، بدون اینکه انسان از آنها بخواهد. نمونه‌های قبلی آن را هم در دورهٔ دفاع مقدس و در قضایای گوناگون دیده‌ایم.^۴

اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی قدس سره

نقشه امام خمینی قدس سره

معماری نظام بر اساس عقلانیت اسلامی

امام بزرگوار و عزیز ما دارای مضمون و معنا و مغز بود. آنچه در اختیار ملت ایران و در معرض دید و فکر ملت‌ها در سراسر عالم است، ساخته و پرداخته آن دست توانا است. ما برای اینکه راه را درست برویم، باید نقشه معمار را بدانیم. اگر در یک بنای متعارف معمولی، نقشه در اختیار نباشد، نقشه اصلی معلوم نباشد، سازندگان و بنّیان هرچه هم چیره‌دست باشند، ممکن است اشتباه کنند؛ باید نقشه اصلی را دانست تا بتوان براساس آن نقشه اصلی، اگر هنری در سازندگی و در احیاء هست، آن را به‌کار برد. نقشه او نقشه‌ای نبود که فقط از ذهن انسان صادر بشود، قطعاً مؤید من عندالله بود؛ خود امام بزرگوار این را می‌دانست و به آن معترف بود؛ خود او می‌گفت: آنچه پیش آمده است، با دست قدرت الهی است و درست فهمیده بود و چشم بصیر و بینای او درست دیده بود. ما مواظب باشیم؛ آن نقشه را بشناسیم تا بتوانیم راه را ادامه بدهیم. اگر نقشه را

ندانستیم، زاویه پیدا می‌کنیم! وقتی زاویه پیدا شد، روزبه‌روز هرچه پیش برویم، از راه اصلی و صراط مستقیم دور می‌شویم! وقتی از صراط مستقیم دور شدیم، از هدف‌ها دور می‌شویم، به هدف‌ها نمی‌رسیم! برای اینکه به هدف برسیم، باید راه را گم نکنیم؛ برای اینکه راه را گم نکنیم، باید نقشه اصلی و اساسی، جلوی چشم ما باشد، آن را بشناسیم و بدانیم. نقشه امام، کار اصلی امام، بنای یک نظم مدنی - سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود؛ ... در بنای آن نظم مدنی و سیاسی دو نکته اساسی وجود دارد که این دو نکته به هم پیوند خورده است؛ به یک معنا دو روی یک حقیقت است: یکی عبارت است از سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و از طریق انتخابات، و دوم اینکه این حرکت - که خود از اسلام سرچشمه گرفته بود و هرآنچه ناشی از حرکت مردم‌سالاری و سپردن کار به مردم است - باید در چارچوب شریعت اسلامی باشد. این، دو بخش است، یا با یک نگاه، دو بُعد از یک حقیقت است.^{۱۷}

شریعت اسلامی

ضامن وجود آزادی، استقلال، عدالت، معنویت

شریعت اسلامی، اگر در جامعه به طور کامل اجرا بشود، هم آزادی‌های عمومی و مدنی را - آزادی افراد را، آزادی فردی را - تأمین می‌کند، هم آزادی ملت را که اسم آن استقلال است - استقلال یعنی آزادی در ابعاد یک ملت، که وابسته به کسی و به جایی نباشد؛ یک ملت آزاد یعنی ملتی که به هر صورت تحت نفوذ و سیطره مخالفین خود یا دشمنان خود یا بیگانگان قرار ندارد - تضمین می‌کند، [هم] عدالت را در جامعه تضمین می‌کند، هم معنویت را تضمین می‌کند؛ این چهار عنصر اصلی است: آزادی، استقلال، عدالت، معنویت. اگر شریعت اسلامی بر جامعه حاکم شد، این پدیده‌های اساسی در نظم جامعه اسلامی، خود را نشان می‌دهند. بنابراین، امام بزرگوار ما شریعت اسلامی را که روح جمهوری اسلامی است، مورد تکیه قرار داده است؛ مردم‌سالاری دینی را هم که یک وسیله و ابزار است که آن هم متخذ از شریعت است، مورد تکیه قرار داده.^{۱۷}

قدرت و اقتدار، در مکتب امام علیه السلام

هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و از اعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد؛ آن قدرتی که از انتخاب مردم به وجود آمد، محترم است؛ در مقابل آن، کسی نبایستی سینه سپر بکند. در مقابل او، کسی نباید قهر و غلبه‌ای به کار ببرد. که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است. این آن نسخه جدیدی است که امام بزرگوار ما به دنیا عرضه کرد و به ادبیات سیاسی عالم این فصل مهم را افزود. در این نسخه جدید، یکی از عناصر اصلی - همان‌طور که اشاره کردیم - به کمک مظلوم شتافتن و با ظالم مقابله کردن است؛ به کمک مظلوم باید رفت که در دوره ما، در زمان ما، مصداق اتم مظلومیت ملت فلسطین بود که شما

دیدید امام بزرگوار از روز اول تا آخر عمر، راجع به فلسطین تأکید کرد، تکیه کرد، حمایت کرد و وصیت کرد که این مسئله را ملت ایران و مسئولان کشور فراموش نکنند؛ کمک به مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم، نفی دست‌اندازی‌های ظالم، انکار صریح هیبت و ابهت ظالم و شکستن این ابهت؛ این هم یکی از بخش‌های این نظام و این نسخه جدیدی است که امام بزرگوار ما عرضه کرد. این یک خلاصه‌ای و یک تصویر کوتاه و توصیف کوتاهی است از مجموعه آن نظم سیاسی و مبنایی‌ای که امام بزرگوار ما پس از فروپاشی نظام پادشاهی به کشور آورد، عرضه کرد، مورد قبول قاطع مردم قرار گرفت، و تحقق پیدا کرد؛ و این نسخه مثل خیلی از حرف‌های سیاسی، در کتاب‌ها نماند؛ آمد در واقعیت، تحقق پیدا کرد، تبلور پیدا کرد؛ ملت ایران هم همت کردند، وفاداری نشان دادند، فداکاری کردند، این را حفظ کردند، نگه داشتند، و روزبه‌روز قوی‌تر کردند تا به امروز رسیده است.^{۱۷}

انتخابات از منظر امام الشیخ مقدس سره

افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطعی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه! اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه به آراء مردم، جزو دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام هیچ تقیدی نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می‌کرد. این جزو دین است. لذا شریعت اسلامی چارچوب است. در همه قانونگذاری‌ها و اجراها و عزل و نصب‌ها و رفتارهای عمومی که تابع این نظم سیاسی و مدنی است، باید شریعت اسلامی رعایت بشود. و گردش کار در این نظام به وسیله مردم‌سالاری است؛ یعنی آحاد مردم نماینده مجلس را انتخاب می‌کنند، رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند، وزرا را با واسطه انتخاب می‌کنند، خبرگان را انتخاب می‌کنند، رهبری را با واسطه انتخاب می‌کنند؛ کار، دست مردم است؛ این، پایه اصلی حرکت امام بزرگوار است.^{۱۷}

آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف

دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام

و نهایت سیر کاروان بشر

اعتقاد به امام زمان، یک بخشی از جهان‌بینی ادیان است. یعنی ادیان الهی همچنان‌که در جهان‌بینی عمومی خودشان نسبت به عالم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سیر حیات بشر - یعنی دربارهٔ مبدأ و معاد - نظر می‌دهند، یکی از بخش‌های این جهان‌بینی - این مجموعهٔ عظیمی که زیربنای همهٔ افکار و تأملات و احکام و قوانین و مقررات ادیان است - عبارت است از: مسئلهٔ نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا. ... یک مسئله این است که بشریت دارد به کجا می‌رود؟ اگر ما جامعهٔ بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را می‌رود، [این] سؤال مطرح است که این کاروان به کجا می‌رود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ متتهالیه این سیر کجا است؟ این یک سؤال جدی است؛ این باید در هر جهان‌بینی‌ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده‌اند. ... همه معتقدند که این کاروان در

پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته عمومی بشریت از اوّل تا امروز و تا آخر است. اینهایی که سعی می‌کنند در مبانی و تفکّرات اصولی، معتقد به تنوّع و تغییر و تحوّل و مانند اینها بشوند، این‌را نمی‌توانند انکار کنند که خواسته بشریت از روز اوّل تا امروز چند خواسته است، که از جمله اساسی‌ترین آنها عدالت است؛ بشر دنبال عدالت [است]؛ هیچ‌وقت از این خواسته منصرف نشده است و در نهایت، این خواسته برآورده می‌شود، که در آثار ما [آمده]: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۵۶۷) - در اغلب متون: «کَمَا مُلِئَتْ» [است]، در بعضی هم «بَعْدَ مَا مُلِئَتْ» - این پاسخ همه ادیان است. در واقع، هر فردی از آحاد بشر می‌داند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این‌جور باید بگوییم که: یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ‌وخم‌های دشوار، از معبرهای سخت، از

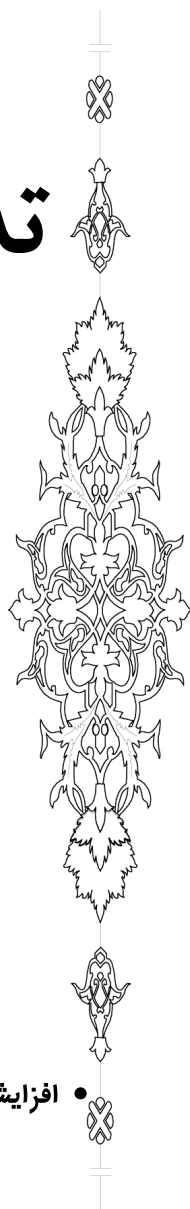
کوهستان‌ها، از وادی‌ها، از درّه‌ها، از لجن‌زارها، از خارزارها، همین‌طور دارد عبور می‌کند، راه را می‌پیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه‌ای برساند؛ این نقطه کجا است؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جاده مهم، یک جاده باز، یک راه هموار. ... بشریت دارد همین‌طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود. نه! آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت: زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز می‌شود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش می‌رساند؛ «بشریت» را می‌رساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را می‌رساند. البته این به معنای این نیست که در آن وقت طبیعت بشر تغییر پیدا می‌کند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان

احکامی دارند، کشش‌هایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را می‌کنند، عقل هم کار خود را می‌کند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این‌جور نیست که در آن دوران، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته. نه! آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ متنها راه و جاده، جاده‌ای است که مساعدِ خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی «عدل» است. و این قطعی است. و توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤید این معنا برای ذهن انسان شگاک است که آنچه وعده داده شده، تحقق پیدا خواهد کرد. باید منتظر بود. این نگاه ادیان به پایانِ راهِ کاروان بشری، نگاه بسیار امیدبخشی است.^{۲۰}

تدابیر دفاعی و رزمی

• افزایش آمادگی همه جانبه



افزایش آمادگی همه جانبه

توقع ابلهانه دشمن

آنها [طرف غربی در مذاکره با ایران،] در حالی توقع محدود شدن برنامه موشکی ایران را دارند که دائماً در حال تهدید نظامی ایران هستند. بنابراین، چنین توقعی، احمقانه و ابلهانه است.^۶

وظیفه اصلی مسئولان

در پشتیبانی از تولیدات انبوه

نیروی هوافضای سپاه باید کارها و برنامه‌های خود را با دقت به پیش برد و به حد کنونی نیز راضی نباشد. ... رساندن تولیدات نیروی هوافضا به مرحله تولید انبوه، ... یک وظیفه است و همه مسئولان نظامی باید در این جهت تلاش کنند و مسئولان دولت نیز پشتیبانی از این موضوع را باید جزو وظایف اصلی خود بدانند. ... [در] ادامه پیشرفت‌های دشمن همزمان با پیشرفت‌های کشور ... باید بگونه‌ای برنامه‌ریزی شود که فاصله‌ها کم شود و در مواردی هم که فاصله‌ها کم است، از طرف مقابل پیشی بگیریم. ... باید در کنار تکیه بر استعدادهای درونی و بالفعل کردن ظرفیت‌ها و استعدادها، از خداوند متعال نیز کمک گرفته شود و هیچگاه از درخواست برای مدد و هدایت الهی غفلت نشود.^۶

دست‌نوشته فرم‌انده کل قوا

پس از بازدید از نمایشگاه هوافضای سپاه

بسم الله الرحمن الرحيم

بار دیگر نشانه‌های روشن بالندگی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از برکات توکل و اعتماد به نفس و جرأت اندیشیدن و اقدام است، در نمایشگاه هوا فضا مشاهده شد. خدای بزرگ را بر نعمت وجود این عناصر مؤمن و کارآمد و نتایج سعی و عمل آنان سپاس می‌گوییم و توفیق روزافزون آنان را از خالق اندیشه و استعداد مسألت می‌کنم. مهم آن است که رشته کار بزرگ و حساس خود را رها نکنید و پیشرفت در کیفیت و نیز در کمیت را با توکل و اخلاص دنبال کنید. خدا یار و نگهدارتان باد.^۶

سید علی خامنه‌ای

۹۳/۲/۲۱

بسم به الرحمن الرحیم

- بارگیر نشانه مرادش بالندگی در سپاه پاسداران نهاده بهی
 که از برکات ترکیز و عقده بنفش و جزات بندیشون دفته است .
 در نایشگاه هوا - فضا شصت و نه . خدای بزرگ به برکت و
 این عظم مزین و کرات و تنج سمن و عذر آنان پاس میگیرم و
 توفیق روز آخر دن آسمان را از محقق پذیرفته و استعدادش نشانه
 هم آن است که رشته ی کار بزرگ و محسوس خفیه را نکند و
 بیشترت در کیفیت و نیز به کثرت را با ترکیز و فضا و ناله
 کنید . خدایا در دیکه آتاق باد
 ۹۳/۲/۲۱

آمادگی و خودسازی برای فتح افق‌های آینده

جوانان عزیز! آینده مال شما است؛ افق‌ها را شما باید فتح کنید و فتح خواهید کرد؛ خودتان را آماده کنید، خودتان را بسازید. در این دانشگاه سعی کنید علم را، تحقیق را، بصیرت را، آموزش‌های رزمی را - تکیه می‌کنم بر روی آموزش‌های رزمی - یکایک افراد [بیاموزند]. بحمدالله استعدادها خیلی خوب است، توانایی‌ها خیلی خوب است، می‌توانید کارهای بزرگ را انجام بدهید؛ خودتان را برای انجام کارهای بزرگ در آینده‌هایی که ان‌شاءالله چندان دور نباشد آماده کنید.^{۱۱}

تدابیر اقتصادی و مالی

• جهاد اقتصادی

جهاد اقتصادی

پشتیبانی از تولیدات داخلی

ستون فقرات اقتصاد مقاومتی

دستگاه‌های دولتی خودشان را موظف کنند که برای محصول [تولیدات داخلی] ... رقیب خارجی نتراشند؛ یکی از بخش‌های اقتصاد مقاومتی که ما گفتیم، این است. ستون فقرات اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی است.

تولید داخلی اگر بخواهد رونق پیدا بکند یقیناً باید، هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود، هم برای محصولات، بازار به وجود بیاید، هم واردات محصولات مشابه به یک نحوی کنترل بشود - کلمه ممنوع را به کار نمی‌برم - و با محاسبه مورد مراقبت دقیق قرار بگیرد، هم در قراردادهای خارجی ... دولت کمک بکند.

گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گرا است؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم! بازارهای جهانی متعلق به ما است! باید بتوانیم با همّت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست؛ که البته بخش‌های مختلف دولتی در این زمینه می‌توانند سهم داشته باشند.^۱

اقتصاد مقاومتی

با بکارگیری استعدادها و ظرفیت‌های داخلی

اقتصاد مقاومتی، یعنی: ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوان‌ها، به فعالیت ذهن‌ها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد. راه درست این است! معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیت‌های بی‌پایانی را که در داخل هست، جستجو کنیم. شناسایی کنیم. با برنامه‌ریزی درست و صحیح این ظرفیت‌ها را فعال کنیم. این استعدادها به کار گرفته بشوند. ... هرجایی که ما به ابتکار و استعداد جوانانمان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمان‌های گوناگون، در سلول‌های بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتی دفاعی، هرجایی ما سرمایه‌گذاری [کردیم] و به این نیروی جوان و علاقه‌مند و مؤمن و بااخلاص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت؛ خوب! به این برسیم. مسائل اقتصادی هم همین‌جور

است؛ ظرفیت‌های اقتصادی باید فعال بشود. این، راه پیشرفت کشور است. آن‌وقت کشور، هم از لحاظ مادی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین‌المللی، هم از لحاظ عزّت ملی و اعتماد به نفس ملت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد. این راهی است که امیرالمؤمنین در مقابل ما قرار داده است. آن‌وقت با نگاه به این حقایق است که می‌فهمیم اینکه امام فرمودند: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۱۶) یعنی چه؟ آمریکا را از باب مثال گفتند؛ بله! آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند - کما اینکه تا امروز هم نتوانسته است - قدرت‌های دیگر هم همین‌جور؛ آنها هم هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. این غلطی که نمی‌توانند بکنند، فقط غلط نظامی نیست، به معنای جامع کلمه، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند! نمی‌توانند ملت ایران را زمین‌گیر کنند؛ نمی‌توانند ملت ایران را عقب‌نگه دارند؛ نمی‌توانند فشار را بر ملت ایران به نحوی وارد بکنند که به خیال خودشان ملت ایران را به زانو دریاورند؛ ملت ایران به زانو در نخواهد آمد.^۸

علاج مشکلات کشور

با اجرای گام‌های اقتصاد مقاومتی

من بر روی اقتصاد مقاومتی تکیه می‌کنم. اوّل سال هم عرض کردم، به شما [نمایندگان مجلس] هم حالا توصیه خواهم کرد، در برنامه ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید. ... اقتصاد مقاومتی قدم بلندی است که ... دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مدیریت کشور - چه در مجلس، چه در دولت، چه بخش‌های گوناگون - وظایفی در این زمینه دارند. علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است. علاج مشکلات کشور را - چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات سیاسی - بیرون از این مرزها نمی‌شود پیدا کرد. کار بکنند؛ هرکس هر تلاشی بلد است، انجام بدهد؛ ما هم موافق‌ایم، بارها هم گفته‌ایم، از همه کسانی که در بخش‌های مختلف - خارجی، داخلی - ابتکار دارند و حرکت دارند و تحرّک دارند، ما دفاع می‌کنیم. دفاع صمیمانه و واقعی، نه دفاع صوری! اما

معتقدیم آن چیزی که علاج مشکلات کشور است، در درون کشور است، در درون وجود من و شما است. ما هستیم که می‌توانیم اقدام بکنیم؛ بلد باشیم که چه کار بکنیم و بفهمیم که راه درست کدام است و با جرأت و دلیری آن کار را انجام بدهیم؛ آن وقت مشکلات کشور بلاشک حل خواهد شد. یک گام بزرگ و بلند، همین اقتصاد مقاومتی است. البته از روزی که این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اعلام شده است و ذکر آن مکرر گفته شده است، مسئولین مختلف - دولتی‌ها، مجلس محترم، دستگاه‌های مختلف، مسئولان گوناگون - در مقام حمایت و ستایش از این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند و مکرر گفته شده، لکن تجربه بنده به من می‌گوید که: ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است. بله! افرادی می‌آیند، می‌نشینند، در منبرهای عمومی یا در جلسات خصوصی از مزایای این اقتصاد مقاومتی مطالبی را بیان می‌کنند و غالباً هم درست است، اما خب! باید اقدام کرد، عمل کرد.^{۱۲}

تدابیر خدمت‌رسانی

• تأمین توأمان نیازهای مادی و معنوی

تأمین توأمان نیازهای مادی و معنوی

وظائف مسئولین حکومت

در رساندن مردم به بهشت

گاهی شنیده می‌شود کسانی در گوشه‌وکنار وقتی صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند اینها می‌شود، می‌گویند: آقا! مگر ما موظف‌ایم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب، بله! بله، همین است. فرق حاکم اسلامی با حاکم دیگر در همین است: حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و آخروی و عقبائی برسند؛ [لذا] راه‌ها را باید هموار کند. اینجا بحثِ زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحثِ کمک کردن است. فطرت انسان‌ها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را

تسهیل کنیم برای مردم؛ تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه ما است! ... جامعه اسلامی جامعه‌ای است که اگر از لحاظ جنبه‌های مادی به اسلام عمل بکند، بدون تردید در قلّه قرار خواهد گرفت؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت لازم، از لحاظ معیشت، از لحاظ روابط اجتماعی، از لحاظ عزّت و شرف دنیایی و عمومی و ملی و بین‌المللی در اوج قرار می‌گیرد؛ اما این همه کارها نیست، همه هدف‌ها نیست. اگر زندگی ما در دنیا زندگی خوبی باشد، اما لحظه مرگ ما لحظه بدبختی و روسیاهی ما باشد، چه فایده دارد؟ امام سجّاد علیّه السلام در دعای صحیفه سجّادیه می‌فرماید: «أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ» (صحیفه سجّادیه، دعای ۴۰) می‌گوید: پروردگارا! من را درحالی از دنیا ببر و بمیران که هدایت‌یافته باشم، گمراه نباشم؛ من را درحالی از دنیا و از این نشئه ببر که من با طوع و رغبت به آن‌طرف بروم. چه کسی با طوع و رغبت از این گذرگاه عبور می‌کند؟ آن کسی که به آن‌طرف خاطر جمع است. دیدید

جوان‌های ما - جوان‌های آن‌روز شما - در میدان‌های جنگ، چگونه بی‌محابا وارد عرصه‌های خطر می‌شدند؛ ... این جوان‌ها کجاها رفتند؟! چه کارها کردند؟! مرگ را تحقیر کردند! خطر را کوچک شمردند! [چون] دل اینها با حقایق آشنا شده بود. انسان وقتی آن‌طرف را ببیند، آن نعمت را ببیند، از آن‌طرف خاطر جمع باشد، راحت زندگی می‌کند، راحت فداکاری می‌کند، راحت بر مشکلات صبر می‌کند، راحت قدم در وادی‌های خطر می‌گذارد و پیش می‌رود؛ مسئله اینجاست.

ما اگر بخواهیم در مقاصد دنیوی هم پیروز بشویم، بایستی ایمان خودمان را، اعتقاد خودمان را، عمل خودمان را، برای آن‌سوی مرز مردن تقویت کنیم. امیرالمؤمنین می‌فرماید: من می‌خواهم مردم را به بهشت برسانم؛ این وظیفه ما است! نهی از منکر باید بکنیم، امر به معروف باید بکنیم، وسائل عمل خیر و حسنات را در کشور فراهم کنیم، وسائل شرور و آفات را از دسترس‌ها برداریم؛ این وظائف مسئولین حکومت است!^۸

وظیفه مسئولان

در بهبود معیشت مردم

از جمله چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک می‌کند، بهبود معیشت مردم است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا». (بخاری الانوار، ج ۲۷، ص ۲۴۷)

جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیر قابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند. فقر، انسان‌ها را به فساد می‌کشاند، به کفر می‌کشاند؛ فقر را باید ریشه‌کن کرد. کار اقتصادی، فعالیت اقتصادی باید به‌طور جدی در برنامه‌های مسئولین قرار بگیرد، که خب! امروز بحمدالله مسئولین دنبال این چیزها هستند. فکرها را باید منتظم کرد، راه را باید درست تشخیص داد، درست باید حرکت کرد.^۸

تدابیر بهداشت و سلامت

• افزایش ضریب سلامت

افزایش ضریب سلامت

همه مرهون منت ماماها

نقش [ماما] ... در تأمین سلامت جامعه و همچنین در بقای نسل بشر بسیار مهم و ارزشمند است. ... جمعیت مامایی کشور با صبر، دانش و تجربه، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت حرفه‌ای، مهمترین نقش را در حفظ سلامت مادر و کودک ایفا می‌کنند، ... بر همین اساس، تمام مردان و زنان مرهون منت ماماها هستند و این قشر نیز همواره از احترام و تکریم ویژه‌ای در میان مردم برخوردار بوده است. ... فرهنگ‌سازی، مسئله مهم و اصلی در ترغیب جامعه زنان به استفاده از خدمات مامایی و زایمان طبیعی [است] ... متخصصین باید زیان‌های ناشی از وضع حمل‌های غیر طبیعی و همچنین فواید و آثار مثبت زایمان طبیعی در حفظ سلامت مادر و کودک را مکرراً در مجامع عمومی و رسانه‌ها تبیین کنند. ... مسئولان ... باید در صدد ... حل مشکلات جمعیت مامایی کشور ... باشند.^۲

تدابیر نظارت و بازرسی

• برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

ضرورت مبارزه با فساد در قدم‌های اوّل

یک کار دیگری که در وظایف نظارتی مجلس مهم است، مسئله مبارزه حقیقی با فساد است! حقیقتاً مبارزه با فساد [مهم است]. نگذاریم کانون‌های چرکین شکل بگیرند که علاج آنها مشکل باشد. اگر نظارت درستی باشد، گاهی اوقات در قدم‌های اوّل می‌شود جلوی یک حرکت خطا و گناه‌آلود را گرفت؛ اگر ما در قدم‌های اوّل جلوی آن را نگیریم و این بیماری پیشرفته شد و این زخم ناسور (سخت یا غیرقابل علاج) شد، آن وقت علاج آن مشکل می‌شود، سخت می‌شود؛ اگر به علاج هم برسد - که بیم این هست که به‌خاطر همین عواقب به علاج نرسد - با سختی و با دشواری و با تحمّل خسارت‌ها خواهد رسید؛ از اوّل جلوی آن را باید گرفت. خوشبختانه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی در نظام، این تجربه را هم ما داریم.^{۱۲}

تدابیر حقوقی و قانونی

• قانون‌گرایی و ضابطه‌گذاری

قانون‌گرایی و ضابطه‌گذاری

نقش مدیریت جهادی مجلس

در تقنین و نظارت

مدیریت جهادی، مخصوص دولت نیست. شامل مجلس هم هست. طبعاً در حوزه کار مسئولیت خود مجلس، یعنی تقنین و نظارت که عمده‌ترین مسئولیت‌های مجلس است. این مسئولیت‌ها اگر به‌طور جدی، به‌دور از انگیزه‌های شخصی، به‌دور از هرچیزی جز انگیزه خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است. کار جهادی یعنی این! انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد، اولویت‌ها را باید نگاه کرد. من بر روی اقتصاد مقاومتی تکیه می‌کنم. اوّل سال هم عرض کردم، به شما هم حالا توصیه خواهم کرد، در برنامه ششم که در پیش است، روی اقتصاد و روی فرهنگ و روی علم باید تکیه کنید.

آنچه در مجلس محترم انجام گرفته است ... مشكور است. دولتی‌ها هم فعالیت‌هایی کردند. منتها

باید قدم به قدم دنبال بشود. هم در زمینه تقنین، هم در زمینه نظارت. در زمینه تقنین، فراهم آوردن قوانین مناسب یا حذف کردن قوانین مزاحم - که اهمیت این کار دوم از کار اول کمتر نیست؛ بعضی از قوانین حقیقتاً مزاحم اند یا معارض اند - حذف قوانین معارض و تصویب قوانینی که به بخش‌های گوناگون اقتصاد مقاومتی کمک کند، یکی از کارهای مهم است. در زمینه نظارت هم نظارت بر عملکرد دولت که مجری این حرکت بزرگ و وارد در این میدان است، به عهده مجلس است.

البته در مورد تقنین، دولت محترم باید لوایح مناسب را بیاورد؛ مجلس نمی‌تواند صرفاً به طرح‌ها متکی باشد؛ باید لایحه بیاورند. این را هم من عرض بکنم و تأکید کنم که هیچ جای دیگری هم نمی‌تواند به جای مجلس در زمینه تصویب قوانین، در مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی و امثال آن دخالت بکند؛ مجلس است که بایستی قانون را تصویب کند - تشخیص بدهد، و آنچه لازم است تصویب کند - یا قانونی را حذف کند و از دور خارج کند.^{۱۲}

تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی

- جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی
- بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها
- توجه و حمایت از تحقیقات علمی
- تولید علم و افزایش قدرت علمی

جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

هم‌افزایی موجب پیشرفت‌های بیشتر

به کارگیری پشتکار، کار را بایستی دست‌کم نگرفت: از پیشرفت‌هایی که به دست آوردید، قانع نشوید. به پیشرفت‌های بیشتر شایق (مشتاق) بشوید. قانع شدن به آن حدی که به آن رسیده‌ایم، ما را متوقف و دچار رکود می‌کند؛ و ابتکار، راه‌های

نرفته را، راه‌های میانبر را در پیش گرفتن! [لازم است]. ... مسئله تحقیق و توسعه ... بسیار مهم است. ... یک مسئله دیگر، عبارت است از همکاری و مرتبط کردن ظرفیت‌ها در بخش‌های گوناگون، تا از یکدیگر خبر داشته باشند. آیا این امکاناتی که در «مپنا» هست، به اطلاع بقیه بخش‌های فعال اقتصادی و صنعتی کشور رسیده؟ آنها مطلع‌اند؟ آیا دانشگاه‌های کشور به‌طور کامل از ظرفیت‌های «مپنا» مطلع‌اند؟ و آیا شما از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها مطلع‌اید؟ ... من نسبت به این مسئله - مسئله همکاری و استفاده کردن از ظرفیت‌های دیگر، مثل ظروف مرتبط - تأکید می‌کنم؛ همه از هم استفاده کنند و این هم‌افزایی موجب پیشرفت‌های بیشتری خواهد شد.^۱

تربیت شخصیت‌های مؤمن و برجسته علمی در جهاد دانشگاهی

استفاده از جوانان انقلابی و تقویت و تثبیت عناصر جوان انقلابی در دانشگاه‌ها از طریق حرکت علمی [مورد تأکید است]. ... یک نمونه از عناصر مؤمن، انقلابی و تأثیرگذار در حرکت علمی کشور، مرحوم دکتر کاظمی است که با ایمان و اخلاص خود، توفیقات زیادی را در مؤسسه رویان به دست آورد و دانشمندان برجسته‌ای را نیز تربیت کردند. ... یکی از مهمترین کارها، در جهاد دانشگاهی تربیت شخصیت‌های مؤمن و برجسته علمی، با جهت‌گیری‌های انقلابی و دلبسته به آرمان‌های انقلاب، است.^{۱۹}

لزوم تدوین

چشم‌انداز جهاد دانشگاهی

تدوین چشم‌انداز میان مدت و بلندمدت جهاد دانشگاهی در چارچوب جایگاه و وظایف این مجموعه در نقشه جامع علمی کشور، [مورد تأکید است]. ... مسئولان جهاد دانشگاهی باید با یک کار علمی و دانش بنیان، تعریف صحیحی از نحوه تعامل با دستگاه‌های مختلف و مدیریت این تعامل ارائه دهند تا براساس یک هدف‌گذاری دقیق بتوانند خانه‌های مربوط به خود را در جدول بزرگ نقشه علمی کشور، به درستی پُر کنند. ... جهاد دانشگاهی باید با پرهیز از کارهای جزئی، به سراغ کارهای اساسی و عمیق‌تر برود.^{۱۹}

بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها

ضرورت حفظ مسیر انقلابی جهاد دانشگاهی

باید جهت‌گیری و مسیر انقلابی جهاد دانشگاهی حفظ شود و نباید گذاشت این مرکز مهم علمی گرفتار آسیب‌های ناشی از پیچ‌وخم‌های سیاسی و «چپ‌روی‌ها» و «راست‌روی‌های» غلط عرصه سیاسی شود. ... یکی از آسیب‌های فراز و فرودهای محیط‌های سیاسی، دگردیسی برخی افراد[است]. ... افرادی که روزی با انگیزه‌های تند انقلابی حرکت می‌کردند، اکنون دیدگاه‌های آنها ۱۸۰ درجه تغییر کرده و حتی بینات انقلاب اسلامی برای آنها نامفهوم است. باید مراقب بود! این خصوصیات، به مجموعه جهاد دانشگاهی راه پیدا نکند!^{۱۹}

توجه و حمایت از تحقیقات علمی

سرعت و شتاب در حرکت علمی

حرکت علمی در کشور خوب آغاز شده است؛ بحمدالله در این سال‌ها، در این ده دوازده سال حرکت خوبی در کشور به وجود آمده؛ این حرکت مطلقاً نباید کند بشود، بلکه باید سرعت و شتاب بگیرد. خیلی از افتخارات ملی و بخش مهمی از عزت ملی و بخش قابل توجهی از ثروت ملی به برکت علم به دست می‌آید؛ مسئله علم و تحقیق و پیشرفت در بخش‌های گوناگون علمی و کشف سرزمین‌های ناشناخته دانش، برای کشور خیلی مهم است؛ این هم ان شاء الله باید در برنامه مورد توجه قرار بگیرد.^{۱۲}

تولید علم و افزایش قدرت علمی

کلید حل مشکلات،

با جوشش درونی ذخایر کشور

تحریم، مال آنجایی است که دست شما بسته است. در هر بخشی که شما بتوانید از خودتان تحرک و پیشرفت نشان بدهید، طرف احساس می‌کند تحریم یک کار لغوی است، کار بیهوده‌ای است، کار ابلهانه‌ای است؛ مثال واضح آن همین مواد اورانیوم غنی شده بیست درصد است که ما برای این نیروگاه تحقیقاتی تهران نیاز مبرمی داشتیم. ذخیره کشور داشت تمام می‌شد، این نیروگاه می‌خواست، رادیوداروها که مورد نیاز بود و در اینجا تولید می‌شد، از دسترس مردم دور می‌شد؛ مسئولین در تلاش افتادند که بیست درصد را تهیه کنند.

ماجرای بازی درآوردن قدرتمندان دنیا - در رأس همه‌شان آمریکا و بعضی قدرت‌های دیگر - سر قضیه بیست درصد، یک ماجرای شیرین طولانی شنیدنی است که چه کردند اینها! ما حاضر

بودیم این را بخریم، آنها به انواع و اقسام حیل متشبّث (متوسّل) می‌شدند که اشکال‌تراشی کنند، تا اینکه بالاخره جمهوری اسلامی به این نتیجه رسید که بیست درصد را باید خودش تولید کند. آنها باور نمی‌کردند که این کار تحقّق پیدا کند و باور نمی‌کردند بعد از آنکه بیست درصد تولید شد، امکان تولید سوخت از آن به‌وجود بیاید. یعنی بتوانند میله سوخت و صفحه سوخت به‌وجود بیاورند. این کار را هم جوان‌های جمهوری اسلامی - مثل شما - دانشمندان جوان، با هوششان، با ابتکارشان، با مدیریت‌های خوب توانستند انجام بدهند. حالا که همه دنیا فهمیدند و دانستند که جمهوری اسلامی به این فناوری دست پیدا کرده و محصول را تولید کرده و می‌تواند از این محصول استفاده کند، راه افتاده‌اند. این می‌گوید: از ما بخرید! آن می‌گوید: از ما بخرید! می‌گویند: حاضریم به شما بفروشیم، امّا تولید نکنید. دنیا این‌جوری است. فشار دنیا، بدآدایی‌های قدرت‌های گوناگون بزرگ و کوچک دنیا در مقابل

نظام جمهوری اسلامی و هر نظام مستقّلی، تابع ضعف و قوّت این نظام است. هر جا شما ضعیف باشید، بد آدایی آنها بیشتر می‌شود. هر جا شما قوی بودید، توانا بودید، روی پای خودتان توانستید بایستید، آنها مجبور می‌شوند مؤدّبانه‌تر با شما رفتار بکنند. منطقی‌تر با شما رفتار بکنند؛ این کلید حلّ همه مشکلات کشور است. باید کشور از درون بجوشد. تولیدتان را، اقتصادتان را، آینده‌تان را، بایستی خودتان از درون تأمین کنید؛ و ملت ایران، ملت بااستعدادی است؛ می‌تواند؛ [هم] ذخایر انسانی ما بی‌نهایت است، هم ذخایر طبیعی ما خوشبختانه خیلی فراوان است.^۱

حرکت علمی کشور

نیازمند حرکت جهادی

هدف‌گذاری حرکت علمی کشور باید افزایش دانش جهانی از طریق تولید فرآورده‌های جدید و ناشناخته دانش بشری در چارچوب ارزش‌های انسانی، باشد. ... مهمترین ویژگی جهاد دانشگاهی، برخورداری از نیروی جوان و در عین حال متخصص و دارای تفکر جهادی[است] ... جهاد دانشگاهی، نهادی مهم است زیرا هم با دانشگاه به‌عنوان سنگر علم و مرکز پیشرفت علمی کشور مرتبط است و هم دارای تلاش جهادی است و در مقابل موانع و مزاحمت‌ها از حرکت نمی‌ایستد. ... پرهیزگاری، نیت الهی و توکل به خداوند متعال، از لوازم تلاش و حرکت جهادی است، ... چنین تفکر و روحیه‌ای در کارهای علمی، موجب عنایت پروردگار و باز شدن راه‌ها بسوی پیشرفت علمی خواهد شد. ... ممکن است برای برخی این سؤال پیش بیاید که اگر تقوای الهی زمینه‌ساز پیشرفت علمی است، پس چگونه برخی دانشمندان که تقوا

نداشتند و حتی به خدا هم معتقد نبودند، توانسته‌اند به پیشرفت‌های علمی دست پیدا کنند؟ ... [پاسخ به این سؤال،] به وعده الهی در قرآن کریم مبنی بر اینکه هر فرد برخوردار از تلاش و پشتکار، به محصول و هدف مورد نظر در مسیر حرکت خود، خواهد رسید، ... اما میان کیفیت محصول و پیشرفتی که در چارچوب تلاش با جهت‌گیری الهی و حرکت در مسیر غیرخدایی به دست می‌آیند، تفاوت اساسی وجود دارد. ... امروز با وجود پیشرفت‌های گسترده علمی در عرصه‌های مختلف، خطرات، ضررها، انحطاط‌ها و قدرت‌طلبی‌هایی نیز برای بشریت به وجود آمده و این آفات انسان‌ها را دچار رنج‌ها و گرفتاری‌های فراوانی کرده است. ... اگر تلاش‌ها و حرکت‌های علمی در چارچوب جهت‌گیری‌ها و تقوای الهی باشند، قطعاً نتایج و محصولات آنها، از ضررها و فجایع به دور و برای بشریت نافع خواهند بود. ... با چنین دیدگاهی می‌توان نتیجه گرفت که دستاوردهای علمی مجموعه دانشگاهی و

تحقیقاتی کشور در ۳۵ سال گذشته، قطعاً از دستاوردهای ۳۵ سال بدون شرایط و روحیه جهادی، بیشتر و با کیفیت‌تر است. ... بر همین اساس اگر این حرکت علمی ۱۵۰ سال دیگر نیز ادامه یابد، پیشرفت‌ها و دستاوردهای ملت ایران، به مراتب بیشتر از حرکت علمی کشوری همانند آمریکا، در ۱۵۰ سال گذشته خواهد بود. ... با اشاره به فاصله روزافزون علمی دنیای غرب با کشورهای شرقی و آسیایی، ... پُر کردن این شکاف و فاصله علمی، نیازمند حرکت جهادی است.^{۱۹}

«ما می‌توانیم» از ضروریات حرکت جهادی

تقویت روحیه خودباوری و «ما می‌توانیم»، از ضروریات حرکت جهادی [است]. ... متأسفانه در سال‌های متمادی تلاش شد تا به ایرانی تلقین شود که «نمی‌تواند» اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار علیه السلام، روحیه «ما می‌توانیم» را وارد فرهنگ و ادبیات سیاسی و انقلابی کشور کرد و نتیجه آن اکنون، به‌صورت بروز توانایی‌های ملت ایران، در عرصه‌های گوناگون، قابل مشاهده است. ... با وجود تزریق روحیه خودباوری در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اما همچنان ریشه فرهنگ غلط «ما نمی‌توانیم» قلع و قمع نشده است و متأسفانه هنوز عده‌ای در زمینه‌های مختلف، نگاه به بیگانگان و پیشرفت‌های علمی، سیاسی، نظامی و مادی آنها دارند. ... «ما می‌توانیم»، به معنای اِبا داشتن از فراگیری علم و دانش از دیگران و صاحبان پیشرفت‌های علمی نیست اما آنچه که باید توجه کرد، آموختن دانش است و نه، گرفتن دانش به همراه ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های غلط آنها!!^{۱۹}

ضرورت کشف ناشناخته‌های علمی

متناسب با ارزش‌های انسانی

در موضوع حرکت و پیشرفت علمی، آنچه که باید به‌عنوان هدف مد نظر قرار گیرد، افزودن بر دانش جهانی و تولید فرآورده‌های جدید دانش بشری است. ... امروز ما به واسطه پیشرفت‌های علمی کشور، می‌توانیم برخی از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین فناوری‌های دنیا را بسازیم که مایه افتخار است اما این پیشرفت‌ها قبلاً به‌وسیله دانشمندان دیگر کشورها به دست آمده. بنابراین، باید به‌دنبال تولید محصولات جدید علمی باشیم که دانش بشری تاکنون نتوانسته است آنها را به دست آورد و دارای آثار مخربی هم برای بشریت نباشند. ... دانش هسته‌ای به‌عنوان یکی از پیشرفت‌های مهم و پیچیده علمی بشریت، ... با وجود اهمیت بالایی که دارد اما زمینه‌ساز تولید سلاح مخرب اتمی شده که صددرصد بر ضد بشریت است. ... ما باید در مسیر پیشرفت علمی خود به‌دنبال کشف ناشناخته‌های علمی باشیم که زندگی انسان‌ها را متناسب با ارزش‌های انسانی، ارتقاء دهد و در عین حال آثار مخربی برای بشریت نداشته باشد.^{۱۹}

تدابیر نیروی انسانی

• بهره‌وری بهینه از نیرو

بهره‌وری بهینه از نیرو

تکیه بر نیروی داخلی

هرجایی که ما به ابتکار و استعداد جوانانمان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد! در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمان‌های گوناگون، در سلول‌های بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتی دفاعی، هرجایی ما سرمایه‌گذاری [کردیم] و به این نیروی جوان و علاقه‌مند و مؤمن و بااخلاص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت؛ خب! به این برسیم.^۸



تدابیر برون مرزی

- جهت گیری در جهان اسلام
- جهت گیری در مصاف با استکبار
- جهت گیری در سیاست خارجی
- جهت گیری در قبال کشورهای همسایه
- جهت گیری تحولی در جهان

جهت‌گیری در جهان اسلام

اندیشه، تدبیر و دشمن‌شناسی

راه مبارزه با جاهلیت غرب

آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج می‌کنند، همان جاهلیتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن - از محیط زندگی بشر - به‌وجود آمد. نشانه‌های همان جاهلیت، امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربی، مشاهده می‌شود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده گرفتن کرامت انسان، همان عمده کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی.

قرآن کریم خطاب به همسران مکرم پیغمبر می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب ۳۳) یکی از نشانه‌های جاهلیت اولی، تبرج زنان است. امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدن غربی، همین تبرج است؛ این همان جاهلیت است، منتها جاهلیتی که

توانسته است خود را با سلاح تبلیغات مدرن مجهز بکند، حقایق را از چشم مردم بپوشاند؛ اینها را باید ما مسلمان‌ها بفهمیم، اینها را باید بدانیم.

دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمان‌ها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب! این به ما لطمه می‌زند، این امت اسلامی را دچار آشفستگی می‌کند، دچار ضعف می‌کند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است. امروز دنیای اسلام به این بصیرت احتیاج دارد، به این تدبّر و اندیشه احتیاج دارد، به اثارة دَفَائِنِ عَقُولِ احتیاج دارد: «وَیُثِرُوا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ». «و توانمندی‌های پنهان‌شده عقل‌ها را آشکار

بیداری اسلامی

راه مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی

به نظر ما بیداری اسلامی به وجود آمده است؛ سعی شد از سوی دشمنان اسلام که این بیداری را سرکوب کنند - و یک جاهایی هم سرکوب کردند - اما بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست. پرچم اعتزاز به اسلام بلند شده است، برافراشته شده است؛ احساس هویت اسلامی امروز در مسلمانان، در هر نقطهٔ عالم، نیرومند شده است و نیرومند خواهد شد. ملت ایران در این زمینه مسئولیت‌های بزرگی داشته است که انجام داده است، بعد از این هم انجام خواهد داد. ملت ایران با اعتقاد به قرآن، با اعتقاد به پیام بعثت، با اتحاد درونی در میان خود، با احساس دلیری در مقابل دشمن و نترسیدن از دشمن، با احساس امید به وعدهٔ الهی نصرت، که وعدهٔ صریح الهی است و فرمود: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ (محمّد ۷) و با این ذخیره‌های ارزشمند، به پیش می‌رود.

بحمدالله ما یکی پس از دیگری، سنگرهایی را
که برای ادامه مبارزه با ظلم و جهل و بی عدالتی
لازم است داشته باشیم، ان شاءالله فتح می کنیم و
پیش می رویم. بحمدالله ملّت ایران از توفیق الهی و
کمک الهی برخوردار بوده است؛ قدم به قدم پیش
رفته ایم، مشکلات را یکی پس از دیگری پشت
سر گذاشته ایم و پشت سر خواهیم گذاشت؛ به
فضل و حول و قوّه الهی.^{۱۳}

نیاز مهمّ دنیای اسلام اتّحاد و تشکیل امّت واحده

نیاز مهمّ ... دنیای اسلام اتّحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای، اختلافات عقیدتی عبور کرد و امّت واحده تشکیل داد: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُون»؛ (انبیاء ۹۲)

خدای متعال این جور می‌فرماید. اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه واحد و قبله واحد، درمقابل داشتنِ جبهه واحد دشمن، اینها کافی نیست برای اتّحاد دنیای اسلام؟ چرا عده‌ای نمی‌فهمند؟ چرا عده‌ای این حقایق روشن را درک نمی‌کنند؟ هدف آمریکا و جبهه غربی‌ها از ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی چیست؟ چرا این را فکر نمی‌کنند؟ رژیم صهیونیستی غاصب - که امروز بزرگ‌ترین بلیه دنیای اسلام وجود این رژیم است - باید بتواند با آسودگی زندگی کند، بر مشکلات خودش فائق بیاید، بر عوامل نابودکننده‌ای که بحمدالله در ارکان آن رژیم غاصب وجود دارد فائق بیاید؛ این نمی‌شود مگر اینکه سر مسلمان‌ها را بند کنند، بین آنها اختلاف بیندازند، مسائل کوچک را برای آنها بزرگ کنند.^{۱۳}

جهت‌گیری در مصاف با استکبار

خطر گروه‌های تکفیری

آمریکا که خباثت آن برای همه مشخص است، از جمله دولت‌هایی است که تلاش دارد میان ایران و پاکستان فاصله ایجاد کند. البته غیر از آمریکا، دولت‌های دیگری نیز در این خصوص فعال هستند. ... برخی عمداً تلاش دارند تا در مرز طولانی دو کشور ناامنی ایجاد کنند و ما نمی‌توانیم باور کنیم که این قضایا طبیعی و غیرعمدی است. ... البته ما اطلاعات از برخی فعالیت‌ها در منطقه بلوچستان پاکستان، برای ناامن کردن مرزهای دو کشور داریم. ... گروه‌های تکفیری، خطری برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. ... اگر با گروه‌های تکفیری مقابله نشود، آنها صدمات و ضربات بیشتری به دنیای اسلام خواهند زد.^۷

مقابله با سیاست‌های تفرقه‌انگیز استکبار

امروز در دنیا دشمنانی به صورت علنی با اسلام مقابله می‌کنند؛ مقابله آنها در درجهٔ اوّل با ایجاد اختلاف است. عمیق‌ترین اختلاف‌ها و خطرناک‌ترین اختلاف‌ها، اختلاف‌های عقیدتی و ایمانی است. امروز در دنیا، تحریکات ایمانی و عقیدتی برای به جان هم انداختن مسلمانان، به وسیلهٔ دست‌های استکباری انجام می‌گیرد. یک عدّه‌ای، عدّه‌ای را تکفیر می‌کنند؛ عدّه‌ای علیه عدّه دیگری شمشیر می‌کشند؛ برادران به جای همکاری با یکدیگر و گذاشتن دست در دست یکدیگر، علیه برادران دست در دست دشمنان می‌گذارند! جنگ شیعه و سنی به راه می‌اندازند و تحریکات قومی و طائفی را لحظه به لحظه افزایش می‌دهند؛ [البته] دست‌هایی که این کارها را می‌کنند، دست‌های شناخته شده‌ای هستند. اگر نیروی خرد، چراغاندیشه و آگاهی - که قرآن ما را به آن امر کرده است - به کار بیفتد، خب! دست دشمن را می‌بینیم، انگیزه دشمن را می‌فهمیم.

امروز در دنیای اسلام، برای اینکه دستگاه‌های استکباری به هدف‌های استکباری خودشان برسند، برای اینکه مشکلات خودشان را پوشیده و مخفی نگه دارند، در میان مسلمانان اختلاف ایجاد می‌کنند؛ شیعه‌هراسی به وجود می‌آورند. ایران‌هراسی به وجود می‌آورند. برای اینکه رژیم غاصب صهیونیستی را محفوظ نگه دارند. برای اینکه تضادهایی که سیاست‌های استکباری را در این منطقه به شکست کشانده است، به نحوی حل کنند. راه آن را در این می‌بینند که بین مسلمان‌ها اختلاف بیندازند. خب! این را باید دید! این را باید فهمید! انتظار از زبندگان این است. انتظار از نخبگان این است.^{۱۳}

رمز پیروزی، قبول ولایت الهی

مسئولین با احساس مسئولیت، در عرصه‌های گوناگون مشغول کاراند؛ امروز بحمدالله دولت ما تازه‌نفس، آماده به کار، با احساس اعتزاز به اسلام و مسلمان بودن؛ احساس می‌کنند به‌خاطر ایمان به خدا دارای عزّت‌اند - که همین هم هست - مشغول کاراند و تلاش می‌کنند. چالش وجود دارد، مشکلات وجود دارد؛ برسر راه زندگی، این مشکلات هست. اگر زندگی بخواهد عزّتمندانه باشد، انسان‌های دارای خِرَد و تدبیر، مشکلات را به‌خاطر رسیدن به عزّت و شرف انسانی و کرامت انسانی و تقرّب الی الله تحمّل می‌کنند؛ انسان‌هایی که بی‌خرداند همین مشکلات در زندگی آنها هست، آنها را با ذلّت تحمّل می‌کنند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول کنند، ولایت شیاطین را قبول می‌کنند: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا، كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (مریم ۸۱ و ۸۲) فرمولی که انسان‌های بی‌خرد، دستگاه‌های بی‌خرد، انسان‌های غافل در دنیا انتخاب می‌کنند و اتّخاذ می‌کنند، این جور در قرآن کریم رسوا شده است. به جای اینکه به خدا پناه ببرند، به جای اینکه ولایت

الهی را قبول بکنند، به جای اینکه به هدایت الهی جنگ بزنند، به ولایت شیاطین، به ولایت دشمنان اسلام و دشمنان بشریت متمسک می‌شوند برای اینکه برای خودشان عزّت درست کنند، و این عزّت به دست آنها نمی‌آید. آن عبادت‌شوندگان نابکار هم از آنها سپاسگزاری نخواهند کرد: «كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (مریم ۸۲) این بیان قرآن، بیان روشنی است؛ باید از این بیان درس گرفت، باید راه را درست شناخت، خطّ هدایت قرآنی، انسان‌ها را به سعادت می‌رساند، بایستی از خدای متعال کمک خواست.

بحمدالله نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز در مواجهه با دشمنان به این وعده الهی مستظهر (پشت گرم و دلگرم) بوده است، اعتماد کرده است؛ به قول الهی و وعده الهی ما اعتماد کردیم، حسن ظن نشان دادیم؛ مثل بی‌ایمانان و کفار، سوء ظن به وعده الهی نشان ندادیم؛ لذا پیروز شدیم. در انقلاب پیروز شدیم، در دفاع مقدّس پیروز شدیم، در مبارزات گوناگون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی بحمدالله تا امروز پیروز شدیم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ این راه ملت ایران است.^{۱۳}

گرفتاری‌های بزرگ دنیای اسلام

عزیزان من! امروز دنیای اسلام دچار گرفتاری‌های بزرگی است؛ می‌بینید، می‌شنوید، اطلاع دارید؛ بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای اسلام این است که متوجه توطئه و دست خبیث دشمنان خود نیست؛ این یکی از بزرگ‌ترین یا بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای اسلام است. آن کسانی که با اسلام بدند، آن کسانی که نام اسلام آنها را می‌رماند، آن کسانی که حاضراند به‌خاطر حفظ مطامع مادی خود با هر دعوت حقّی مبارزه کنند و بجنگند - و اسلام دعوت حقّی است که به حقّ و عدل دعوت می‌کند - اینها در دنیای اسلام بیکار نیستند، به‌خصوص بعد از پدید آمدن جمهوری اسلامی؛ بعد از آنکه در این نقطه حسّاس جغرافیای عالم، نظامی بر اساس اسلام تشکیل شد، توطئه‌ها شدید شد، پیچیده شد؛ امروز توطئه‌ها از گذشته پیچیده‌تر است؛ این را باید همه در دنیای اسلام بفهمند. ما را به‌جان هم می‌اندازند، برادران را در مقابل هم قرار می‌دهند؛ سیاست دشمنان اسلام این است که در کشورهای اسلامی در میان جوامع اسلامی و در امت اسلامی برادرکشی و جنگ داخلی را به نیابت از

خودشان به راه بیندازند؛ خودشان کنار بنشینند و شاهد این باشند که ما به جان هم افتادیم. خب، اینجا باید دشمن را شناخت، باید توطئه دشمن را فهمید، این کمبود دنیای اسلام است. در میان امت اسلامی کسانی هستند که برای مقابله با برادران مسلمان خودشان با دشمنان اسلام دست به دست می دهند؛ امروز ما این را داریم؛ به شیطان نزدیک می شوند برای اینکه با برادران مسلمان خودشان بجنگند و مبارزه کنند و مقابله کنند؛ امروز کسانی هستند که حاضراند با رژیم صهیونیستی همکاری کنند، برای اینکه برادر مسلمان خودشان را به خاک بیندازند. «اِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ»؛ (اعراف ۳۰) با شیطان می سازند، دست به دست هم می دهند و گمان باطلشان این است که در راه هدایت دارند قدم برمی دارند. اینها معیارهای قرآنی است، اینها معیارهای روشنی است که قرآن در اختیار ما قرار می دهد، اینها را باید بفهمیم؛ کی می توانیم بفهمیم؟ وقتی با قرآن انس داشته باشیم، وقتی دل خودمان را به روی قرآن باز کنیم؛ همه این مراسم [مسابقات بین المللی قرآن کریم]، مقدمه این است.^{۱۶}

اقتدار جمهوری اسلامی ایران

و خطاهای راهبردی دشمنان

دشمنان ما تلاش گسترده‌ای را از روزهای اول آغاز کردند و هرچه جلو رفتیم، این تلاش بیشتر شده است؛ از صدها بلکه هزاران ایستگاه تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی استفاده کردند برای دشنام دادن به جمهوری اسلامی و به بانی بزرگ آن و به طرفداران آن. خود این مطلب به ما کمک کرده است، یعنی حس کنجکاوی را در مستمعان و مخاطبان در سراسر دنیا برانگیخته است؛ می‌خواهند بدانند که علت این همه دشمنی کردن و سنگ‌پرانی کردن و لجن‌پراکنی کردن چیست؟ و آن حقیقتی که آماج این دشمنی‌ها است، چه ماهیتی دارد؟ چه حقیقتی دارد؟ بنابراین، دشمنان ما به قصد دشمنی نام ما را بردند و دربارهٔ امام ما و نظام ما سخن گفته‌اند، اما «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. وَ أَكِيدُ كَيْدًا»؛ (طارق ۱۵ و ۱۶) این را خدای متعال می‌فرماید؛ آنها با این نیت، این حرکت وسیع را آغاز کردند اما در نهایت برای ما یک فرصتی به وجود آمد، چون حس کنجکاوی مستمعان این دستگاه‌ها در سراسر جهان تحریک

شد. در کشورهای اسلامی و در منطقه ما بیداری اسلامی - که احساسات ضد استکباری در آن بر هر پدیده دیگری غلبه داشت - خود نشانه همان کنجکاوی و پاسخ‌گیری و پاسخ‌یابی است و این همچنان ادامه دارد. ممکن است دستگاه‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی این جور به بزرگ‌ترهای خودشان گزارش کنند که توانسته‌اند بیداری اسلامی را در منطقه ما سرکوب کنند. اگر این جور خیال کنند، این هم یکی دیگر از خطاهای راهبردی و غلط تحلیل‌کردن‌های دشمنان ما خواهد بود. بیداری اسلامی ممکن است برای مدتی، در بخشی از دنیای اسلام سرکوب بشود، اما بلاشک ریشه‌کن نخواهد شد؛ گسترش خواهد یافت؛ و این فهم، این ادراک، این دریافت در کشورها و در نسل جوان مسلمان در این منطقه، چیزی نیست که به این آسانی‌ها بتوانند آن را از بین ببرند؛ البته تلاش می‌کنند، تلاش‌هایشان ممکن است در بعضی از بخش‌ها برای مدت کوتاهی موفقیت‌آمیز هم به نظر برسد، اما در نهایت ابتر است.^{۱۷}

جهت‌گیری در سیاست خارجی

تلاش و ابتکار در سیاست خارجی

من همواره طرفدار ابتکار در سیاست خارجی و مذاکره بوده و هستم و توصیه همیشگی من به مسئولان این بوده که: در سیاست خارجی و مبادلات بین‌المللی، هرچه تلاش و ابتکار وجود دارد، به کار بندند. اما نباید نیازمندی‌های کشور و برخی مسایل همچون تحریم‌ها، به مذاکره گره زده شود! ... مسئولان باید موضوع تحریم را به طریق دیگری حل کنند.^۶

تحولات سوریه

و خطر گروه‌های تکفیری در آینده

هر آنچه را که مردم سوریه تصمیم بگیرند، ...
[جمهوری اسلامی ایران]، تأیید خواهد کرد. ...
متأسفانه برخی کشورهای منطقه متوجه خطری که
گروه‌های تکفیری، در آینده، برای خود آنها ایجاد
خواهد کرد نیستند و همچنان در حال حمایت از
این گروه‌ها هستند. ... برخی کشورهای منطقه
اکنون با کمک به گروه‌های تکفیری، از کشتار و
جناایات آنها در سوریه و برخی کشورهای دیگر
حمایت می‌کنند: اما در آینده نه چندان دور، این
گروه‌ها بلای جان همان کشورهای حامی خواهند
شد و در نهایت مجبور خواهند بود که با هزینه
زیاد، آنها را از بین ببرند.^{۱۴}

جهت‌گیری در قبال کشورهای همسایه

گسترش روابط ایران و پاکستان

مهم‌ترین عامل رابطه خوب و صمیمی میان دو ملت ایران و پاکستان، اشتراکات گسترده فرهنگی و دینی است. ... دست‌هایی در کار است تا با شیوه‌های مختلف از جمله ایجاد ناامنی در مرز مشترک طولانی، میان دو ملت دوست و صمیمی ایران و پاکستان و میان دو دولت فاصله ایجاد کند اما نباید اجازه داد تا فرصت بزرگ گسترش روابط میان دو کشور از دست برود. ... امیدواریم [طرح‌های بزرگ اقتصادی از جمله طرح خط لوله گاز،] در دوره مسئولیت شما [فعال و]، تحرک خوبی در روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف ایجاد شود.^۷

روابط سالم با همسایگان خلیج فارس

امنیت این منطقه، در گرو روابط سالم و خوب همه کشورهای منطقه است. ... بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران همواره به دنبال روابط سالم با همسایگان خود در خلیج فارس بوده است و اکنون نیز همین سیاست را دنبال می‌کند. ... نزدیکی کشورهای منطقه و روابط سالم آنها با یکدیگر برای همه منطقه مفید است اما اگر این اصل رعایت نشود، اختلاف و دوری کشورهای منطقه، موجب خرسندی دشمنان مشترک خواهد شد. ... وقاحت روزافزون رژیم صهیونیستی، نتیجه نبود روابط سالم میان کشورهای منطقه است. ... جمهوری اسلامی ایران همواره با کشورهای منطقه با شرح صدر برخورد کرده است.^{۱۴}

صفحه جدید در روابط ایران و کویت

حضور ایران در کنار کویت، در مواقع حساس سال‌های گذشته، از مواضع خیرخواهانه و مدبرانه کویت در قبال تحولات منطقه است. ... [و] باید تحولات منطقه را با چنین دیدگاه و شیوه‌ای حل و فصل کرد. ... همچنین ... زمینه‌ها برای گسترش بیش از پیش روابط اقتصادی دو کشور فراهم است و باید صفحه جدیدی در روابط اقتصادی ایران و کویت گشوده شود.^{۱۴}

جهت‌گیری تحولی در جهان

اندیشه‌ورزی در مفاهیم قرآن

کلید حل مشکلات جامعه اسلامی و بشر

درباره بعثت پیامبر سخنان گوناگونی قابل بررسی کردن و گفتن است؛ آنچه امروز برای ما مردم و برای دنیای اسلام لازم است و باید به آن توجه شود، دو سه نقطه اصلی است: یکی آن نقطه‌ای است که امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السّلام در خطبه نهج‌البلاغه به آن اشاره فرمود که علّت بعثت پیامبر و پیامبران بزرگ الهی را این‌گونه معرفی کرده است: «لَيْسَتْ أَدْوَهُمْ مِثْقَالَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ ... وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱) انسان‌ها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیت که همراه با شرف و کرامت است برگرداند؛ نعمت‌های فراموش‌شده الهی را به یاد آنها بیاورد و خردهای دفن‌شده را مبعوث کند.

انسان‌ها به برکت خرد است که می‌توانند پیام پیامبران را درک کنند؛ از مشکلات و دشواری‌های

راه نورانی پیغمبران نهراستند و آنها را بتوانند پشت سر بگذارند. به برکت عقل و اندیشه و خرد است که بشریت می‌تواند از مفاهیم قرآن به‌درستی استفاده کند. اگر جامعه اسلامی به همین یک دستور عمل کند، یعنی نیروی فکر را، به کارگیری اندیشه و خرد را در میان خود یک امر رایج و عمومی قرار بدهد، عمده مشکلات بشر حل خواهد شد؛ عمده مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد شد.

امروز شما نگاه کنید: به نام اسلام در یک نقطه‌ای با انسان‌های بی‌گناه رفتار ظالمانه می‌کنند، در یک نقطه‌ای به‌خاطر اسلام مسلمانان را قتل عام می‌کنند. در آفریقا در یک مرکزی، در یک کشوری، کسی به‌خاطر مسلمان بودن مورد قتل و تجاوز و ظلم قرار می‌گیرد. در نقطه دیگری کسانی به نام اسلام دخترهای مردم را می‌دزدند و فرار می‌کنند؛ اینها به‌خاطر این است که پیام اسلام برای مسلمانان جا نیفتاده است. ما مسلمان‌ها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خرد

خودمان و با راهنمایی اندیشه بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبر اسلام و این پیام‌ها برسیم.

وقتی از پیام اسلام غفلت کردیم، که قرآن کریم فرمود: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ (فرقان ۳۰) وقتی قرآن را مهجور کردیم، به مفاهیم قرآن درست نگاه نکردیم، مجموعه مفاهیم قرآنی را که یک منظومه کامل برای زندگی انسان است، درست ندیدیم، آن وقت لغزش پیدا می‌کنیم، و نیروی خرد ما هم نمی‌تواند فهم درستی از مفاهیم قرآنی پیدا کند.^{۱۳}

ایجاد شوق جهانی

۲۵ سال از رحلت امام عظیم‌الشان می‌گذرد، ولی شور و اشتیاق برای شنیدن درباره او و دانستن از او کم نشده است؛ مخصوص کشور ما هم نیست، در دنیای اسلام بلکه فراتر از دنیای اسلام، این واقعیت وجود دارد. نه تنها در کشور ما - که نسل سوم انقلاب در آن درحال بالیدن است - بلکه در دنیای اسلام، جوانان عصر ارتباطات و عصر اینترنت که با مسائل دور از محیط خود به راحتی می‌توانند ارتباط بگیرند، دنبال این هستند که درباره مسائل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و درباره معمار این بنای عظیم، مطالب بیشتری بدانند. پدیده مردم‌سالاری دینی، نظریه ولایت فقیه، مسائلی است که برای محیط‌های فکری دنیای اسلام، حائز اهمیت و دارای جاذبه است.^{۱۷}

منشاء کنجکاوی نسل جوان امروز دنیا

این کنجکاوی که در نسل جوان امروز، در دنیا - به خصوص در دنیای اسلام - درباره پدیده مردم سالاری دینی وجود دارد، ناشی از این است که جمهوری اسلامی یک پدیده‌ای بود که ۳۵ سال از آغاز ولادت آن گذشت، و در تمام این مدت ۳۵ سال، با واکنش خشن و خصمانه قدرت‌های مسلط دنیا مواجه بود: هم واکنش نظامی نشان دادند، هم واکنش تبلیغاتی نشان دادند، هم واکنش خصمانه اقتصادی نشان دادند - که از اول انقلاب تحریم‌ها آغاز شد و روزه‌روز تا امروز تشدید شده است - [هم] واکنش سیاسی نشان دادند؛ این جبهه پر قدرت غربی، در مقابل جمهوری اسلامی ۳۵ سال است که هر کاری از دستش برآمده، کرده است؛ تلاش نظامی کرده است، به مهاجم نظامی به کشور کمک کرده است، دشمنان را در هر نقطه‌ای علیه جمهوری اسلامی حمایت کرده است، تبلیغات پر حجم علیه آن به کار برده است، تلاش تحریمی و محاصره اقتصادی را در اعلی درجه ممکن و بدون سابقه به کار برده است، اما در مقابل جمهوری اسلامی، در برابر این همه هجمه و این همه مخالفت خشن و

بی‌ملاحظه، هم از بین نرفت، هم دچار محافظه‌کاری نشد، هم به غرب باج نداد، روزبه‌روز هم کشور پیشرفت کرد؛ این آن چیزی است که ماهیت این کنجکاوی را تشکیل می‌دهد. قدرت‌های درجه یک نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیا، دست‌به‌دست هم بدهند علیه یک کشوری، علیه یک حکومتی، ۳۵ سال تلاش کنند، [ولی] آن حکومت علی‌رغم تلاش آنها، نه فقط از بین نرود، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر بشود، به آنها باج هم ندهد، به آنها اعتنا هم نکند.

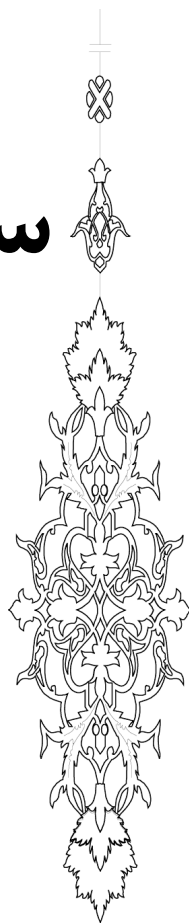
در عرصه‌های مختلف، جمهوری اسلامی اقتدار خود را و قابلیت بقای خود را نشان داد. امروز وقتی به جمهوری اسلامی نگاه می‌کنند، [می‌بینند] نسل دوم و سوم انقلاب در این کشور دارای چند میلیون دانشجو، چندین هزار طلبه علوم دینی فاضل، چندین هزار پژوهشگر و محقق، چند ده هزار استاد دانشگاه و حوزه، هزاران نخبه علمی و فکری که بعضی از آنها در عرصه بین‌المللی نام‌آور و شناخته شده‌اند، هزاران فعال و نخبه سیاسی و فرهنگی و تولیدی و اقتصادی؛ واقعیت جامعه ما امروز این است. جمهوری اسلامی در میدان علم و فناوری، با وجود همه این تحریم‌ها،

ماهواره به فضا می‌فرستد، موجود زنده به فضا می‌فرستد و برمی‌گرداند، انرژی هسته‌ای تولید می‌کند، در بسیاری از دانش‌های نوپدید، جزو ده کشور اول دنیا قرار می‌گیرد. ... در سیاست‌های منطقه حرف اول را می‌زند، در مقابل رژیم غاصب و مورد حمایت زورگویان عالم یک‌تنه می‌ایستد، با ظالم نمی‌سازد و از مظلوم دفاع می‌کند؛ هر انسان آگاهی به کنجکاوی می‌افتد که: این موجود چیست؟ این پدیده، چه پدیده‌ای است با این همه دشمنی، و این همه توانایی‌های ذاتی و نشانه‌های حیات و بقا؛ ماهیت این کنجکاوی این است. این حالا در زمینه‌های مسائل علمی و فناوری و مانند اینها.

در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی، جلوه بالای مردم‌سالاری در این کشور که ۳۵ سال است از انقلاب ما گذشته است، و در طول این ۳۵ سال، ۳۲ انتخابات داشتیم؛ ۳۲ انتخابات سراسری در این کشور به وجود آمده است؛ این شوخی است؟ یک نمونه بی‌نظیر [است]؛ انتخابات‌های جمهوری اسلامی با مشارکت‌های بالا - بالاتر از متوسط و میانگین جهانی و بعضاً بسیار بالاتر؛ شرکت ۷۰ درصدی، ۷۲ درصدی؛

انتخابات‌های ما از این قبیل است - جلوه مردم‌سالاری [است]. نمونه بی‌نظیر دیگر دو پدیده‌ای است که ما مردم، با آنها عادت کرده‌ایم. اما برای یک ناظر جهانی فوق‌العاده جذاب و مهم است، و آن عبارت است از: راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن و راه‌پیمایی روز قدس در ماه رمضان. جشن انقلاب را مردم به‌طور مداوم، هر سال تا این ۳۵ سال گرفته‌اند. با یک راه‌پیمایی عظیم پرشور پرشکوه در روزهای سرد پایان بهمن. ما عادت کرده‌ایم و اهمیت موضوع و عظمت موضوع به چشمان نمی‌آید. اما ناظر جهانی، اینها را می‌بیند و برای او بسیار خیره‌کننده است. اینها عوامل آن جذابیتی است که کنجکاوی‌ها را تحریک می‌کند و راه نویی را به ذهن‌های علاقه‌مندان و افرادی که اهل سؤال و استفسار و تحقیق‌اند، ارائه می‌دهد. این واقعیت مهم دوران ما است که عبارت است از: توجه و کنجکاوی عمومی در دنیای اسلام از سوی جوان‌ها، روشنفکران، آگاهان و کسانی که اهل فهم مسائل‌اند، نسبت به این پدیده‌ای که در کشور ایران اسلامی، به توفیق الهی و به تأیید الهی تحقق یافته است و روزبه‌روز رشد کرده است.^{۱۷}

سایر تدابیر



• پیام به سی‌امین نشست سالیانه اتحادیه

انجمن‌های اسلامی دانشجویان در شبه قاره هند

• ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت

• پیام به مدیران و دانشجویان دانشگاه الزهراء ع

در مراسم تشییع و تدفین شهدا

• پیام به مادران چشم به راه (شهدای گمنام)

پیام به سی‌امین نشست سالیانه
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان
در شبه قاره هند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوانان و دانشجویان عزیز

نگاه امیدوارانه به افق‌های آینده کشور، همواره
با نگاه خوشبینانه به شما همراه است و این دو از
یکدیگر جدائی ناپذیرند. شما رویش‌های ارجمند
ملت ایران‌اید؛ خود و جایگاه خود را به درستی
بشناسید و نقش خود در آینده را به جد، تضمین
کنید. اندیشه‌ورزی، دانش‌اندوزی، دینداری و
پاکدامنی ... اینها اصلی‌ترین عناصر برای تأمین آن
هدف بزرگ‌اند.

برای شما دعا می‌کنم و به شما سلام می‌فرستم.^۹

سید علی خامنه‌ای

۲۵ / اردیبهشت / ۱۳۹۳

ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی؛ و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز؛ و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود.

سیدعلی خامنه‌ای

۳۰ اردیبهشت/۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

«سیاست‌های کلی جمعیت»

۱- ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی.

۲- رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.

۳- اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط.

۴- تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی-

ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری.

۵- ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی.

۶- ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست محیطی و بیماری‌ها.

۷- فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی ساز و کار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب.

۸- توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی - حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و

استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد.

۹- باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی.

۱۰- حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از طریق توسعه شبکه های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی.

۱۱- مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست های کلی جمعیت با تدوین و اجرای ساز و کارهای مناسب.

۱۲- تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه گذاری، و بهره گیری از ظرفیت ها و توانایی های آنان.

۱۳- تقویت مؤلفه های هویت بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و



همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به‌ویژه در میان مرزنیسان؛ و ایرانیان خارج از کشور.

۱۴- رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی.^{۱۰}

پیام به مدیران و دانشجویان دانشگاه الزهراء ع
در مراسم تشییع و تدفین شهدا

بسمه تعالی

زننده نگهداشتن یاد گرامی شهیدان، زننده
نگهداشتن آزادگی و فداکاری است، و برای ملتی
که چشم به افق‌های بلند دوخته است، این از
برترین نیازها و ضرورت‌ها است. از مدیران و
دانشجویان آن دانشگاه بخاطر تکریم پیکر شهیدان
عزیز، تشکر می‌کنم.^{۱۵}

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۹۳/۳/۱۲

پیام به مادران چشم به راه (شهدای گمنام)

بسمه تعالی

سلام و درود خدای توانا و مهربان بر دل‌های
صبور و پرظرفیت مادرانی که پس از هجرت
جگرگوشه‌گان دل‌بندشان به نشانه‌ای از پیکر پاک
آنان دل بستند و به آن نیز دست نیافتند؛ و با این
همه، با شکیبائی و صبوری خود نقشی بی‌نظیر و
استثنایی از خود بر جای نهادند. پاداش این صبر
بزرگ، روشنی چشم آنان به مژده رحمت الهی
خواهد بود ان شاء الله.^{۱۸}

سید علی خامنه‌ای

۹۳ / ۳ / ۱۷

پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۳/۰۲/۱۰ بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا
۲. ۹۳/۰۲/۱۵ (گزارش خبری) بیانات در دیدار مسئولین جمعیت مامایی کشور
۳. ۹۳/۰۲/۱۵ بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سومین جشنواره سراسری علمی - فرهنگی اعتکاف
۴. ۹۳/۰۲/۱۵ (گزارش خبری) بیانات در دیدار اعضای هیئت مدیره جامعه خیرین مدرسه‌ساز ایران
۵. ۹۳/۰۲/۱۷ بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور
۶. ۹۳/۰۲/۲۱ (گزارش خبری) بازدید فرمانده کل قوا از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران
۷. ۹۳/۰۲/۲۲ (گزارش خبری) بیانات در دیدار نخست وزیر پاکستان
۸. ۹۳/۰۲/۲۳ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به‌ویژه مردم استان ایلام
۹. ۹۳/۰۲/۲۵ پیام به سی‌امین نشست سالیانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در شبه قاره هند
۱۰. ۹۳/۰۲/۳۰ ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۱. ۹۳/۰۲/۳۱ بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع)
۱۲. ۹۳/۰۳/۰۴ بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۱۳. ۹۳/۰۳/۰۶ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص)
۱۴. ۹۳/۰۳/۱۲ (گزارش خبری) بیانات در دیدار امیر کویت
۱۵. ۹۳/۰۳/۱۲ پیام به مدیران و دانشجویان دانشگاه الزهراء (ع) در مراسم تشییع و تدفین شهدا
۱۶. ۹۳/۰۳/۱۳ بیانات در دیدار اساتید، قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در سی‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم
۱۷. ۹۳/۰۳/۱۴ بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی در حرم مطهر امام خمینی (ع)
۱۸. ۹۳/۰۳/۱۷ پیام به مادران شهدای گمنام
۱۹. ۹۳/۰۳/۱۹ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس، مدیران و محققان جهاد دانشگاهی
۲۰. ۹۳/۰۳/۲۱ بیانات در دیدار رئیس، مسئولان، اساتید، پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»
۲۱. ۹۳/۰۳/۲۷ تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «من زنده‌ام» ۱۳۹۲/۰۷/۰۵ (انتشار ۱۳۹۳/۰۳/۲۷)